

و



تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُدَبَّرَاتِ

با مقدمه :

حجّه السلام والمسلمين

علی اکبر مہدی پور

پنج گفتار پیرامون امام زمان (عج)

استاد غلامحسین خالقی

مبین

پنج گفتار پیرامون امام زمان

عجل الله تعالى له الفرج

استاد غلامحسین خالقی

سرشناسه	: خالقی، غلامحسین، ۱۳۳۶ -
عنوان و پدیدآور	: امام مبین: پنج گفتار پیرامون امام زمان (عج) / غلامحسین خالقی.
مشخصات نشر	: قم: عصر ظهور، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۷ ص.
شابک	: 978-964-6639-148-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع	: مهدویت - انتظار.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ الف ۸ / ۱۵ خ / ۴ / ۲۲۴ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۰۶۶۲۱



مؤسسه انتشارات عصر ظهور
 قم - خیابان صفائییه، کوچه ۲۴ (ممتاز) پلاک ۷۷
 تلفن ۷۷۴۱۲۱۶ - تلفکس ۷۷۴۲۸۳۶
 همراه ۰۹۱۲ ۱۵۱ ۹۰۷۸

مبین

استاد غلامحسین خالقی

چاپ اول / ۱۳۸۹ / ۳۰۰۰ نسخه / ۱۲۸ صفحه رقی

چاپخانه قدس

شابک: ۰ - ۱۴ - ۶۶۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ

وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِراً وَ دَلِيلاً

وَ عَيْناً حَتَّى تُسَكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً

وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۱	یادی از یک مرجع والامقام.....
۱۲	حسن مطلع.....
۱۲	از شب عاشور تا آدینه ظهور.....
۱۳	در آستانه ظهور.....
۱۳	نام نامی و یاد گرامی.....
۱۴	حسب ن ختام.....

گفتار اول

اشکی بر ساحل فراق

یا شرحی موجز بر دعای شریف اللهم کن لولیک... / ۱۵

۱۹	کیفیت قرائت این دعای شریف.....
۲۸	(۱) «ولی».....
۲۸	(۲) «حافظ».....

۲۸ (۳) «قائد»
۲۹ (۴) «ناصر»
۲۹ (۵) «دلیل»
۲۹ (۶) «عین»

گفتار دوم

یا لثارات / ۲۵

۴۲ معنای اسراف در قتل
۴۳ ولی دم امام حسین <small>علیه السلام</small>
۴۴ منصور <small>علیه السلام</small> در دو نگاه
۴۴ باید عاشورای دیگر برپا شود
۴۸ معنای یا لثارات الحسین

گفتار سوم

راهی به کوی جانان / ۵۱

۵۳ ذکر علاماتی که با آنها، حضرت قائم <small>علیه السلام</small> شناخته می شود
۵۴ الف) سیمایی
۵۷ ب) علائم صفاتی
۵۸ ج) علائم قرآنی
۶۴ د) علائم ملکوتی
۶۷ از دیگر علامت های ملکوتی
۶۸ ه) علائم جبروتی

۶۸ علامت اسمی
۷۴ حضرت و نشانه‌ای از رسول خدا ﷺ در جنگ احد
۷۶ مهدی ﷺ ابری آسمانی بر سر دارد
۷۷ فرود ناگهانی با عظمتی مبهوت کننده
۷۸ تکمیل این گفتار

گفتار چهارم

امام مبین / ۸۳

۹۳ امام مبین
۹۵ ورود به سرچشمه
۱۰۵ (۱) قضیه شیخ حسین
۱۰۶ (۲) جریان سید مهدی قزوینی
۱۱۱ امام مبین، هادی دین
۱۱۱ معنای هدایت به امر در این آیه مبارکه:

گفتار پنجم

جناب خضر ﷺ در خدمت حضرت مهدی علیه الصلوة والسلام

یا جلوه‌ای از جلالت حضرت مهدی ﷺ / ۱۱۹

۱۲۴ نمونه‌ای از همراهی خضر ﷺ با حضرت مهدی
-----	---

پیشگفتار

الكهفُ الحَصين والامام المبین

علی اکبر مهدی پور

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین،
وعلی آله الهداة المهدیین، لا سیما بقیة الله فی الأرضین، الامام المبین،
والكهفُ الحَصین، وغیاث المضطرّ المستکین، وملجأ الهاربین،
ومنجی الخائفین، وعصمة المعتصمین، عجل الله تعالی فرجه الشریف.
در میان بیش از یکصد دعا که از پیشوایان معصوم برای دوران غیبت
صادر شده، دعای شریف: «اللهم کن لولیک» از جایگاه خاصی
برخوردار است.

نخستین منبعی که این دعا در آن آمده، کتاب گرانسنگ «کافی
شریف» می باشد.

مرحوم کلینی با سلسله اسنادش این دعا را در معتبرترین کتاب از کتب
اربعه، در میان اعمال شب قدر از امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده می فرماید:
در شب بیست و سوم ماه رمضان، در حال سجده، ایستاده،

نشسته، در هر حال، در همه ماه رمضان و هر وقتی که بتوانی
در همه عمر خود، این دعا را تکرار کن.

سپس می افزاید:

پس از حمد خداوند متعال و درود بر پیامبر عالمیان
می گوئی:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ - فلان بن فلان - فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ
سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيًّا وَقَائِدًا وَعَوْنًا وَعَيْنًا -
حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعًا وَتَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (۱)

شیخ طوسی نیز این دعا را در کتاب شریف «تهذیب الأحکام» که از
کتب اربعه می باشد، به همین تعبیر از پیشوایان معصوم روایت کرده است. (۲)
سومین منبعی که این دعا در آن آمده کتاب شریف: «إقبال الأعمال»
از سید ابن طاووس می باشد.

سید ابن طاووس آن را از کتاب «ابن ابی قره» نقل فرموده است.
ابوالفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنائی از
مشایخ اجازه مرحوم نجاشی است (۳) و به اتفاق همه علمای رجال مورد
وثوق و اعتماد می باشد. (۴)

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۹۸، رقم ۱۰۶۶.

۴. نمازی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۵۱.

سید ابن طاووس مطلع این دعا را از کتاب ابن ابی قُرّه به شرح زیر نقل کرده است:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ، الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، الْحَجَّةَ، مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ
الْمَهْدِيَّ، عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي
هَذِهِ السَّاعَةِ... (۱)

ولی نظر به اینکه مرحوم کلینی بر زبان آوردن نام خاص حضرت مهدی علیه السلام را در عهد غیبت جایز نمی‌داند، آن را به تعبیر: «فلان بن فلان» آورده و شیخ طوسی نیز از او پیروی کرده است.

یادی از یک مرجع والامقام

یکی از پیشتازان عرصه مهدویت مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمود تولائی در حدود نیم قرن پیش به خواندن این دعا در قنوت نمازها تأکید فراوان نمود و در مدت کوتاهی در سرتاسر ایران اسلامی رواج یافت. بعدها به عتبات عالیات مشرف شده، در نماز جماعت مرجع اعلای جهان تشیع مرحوم آیه‌الله العظمی خوئی رحمته الله حضور یافته، مشاهده می‌کند که ایشان نیز این دعا را در قنوت نماز می‌خوانند.

روز بعد که به خدمت ایشان می‌رسد عرضه می‌دارد: دیشب دیدم کلمات نورانی «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» را در نماز می‌خوانید، می‌فرماید: من از ۵۰ سال پیش به آن ملتزم هستم.

حسن مطلع

مؤلف گرانقدر این دعا را در طلیعة این اثر آورده و مطلع کتاب را با این دعا مزین نموده و بخش نخستین کتاب را به شرح واژه‌های این دعا اختصاص داده است.

وی در این بخش سیمای ملکوتی آن امام مبین را در پرتو آیات نورانی قرآن و سخنان درربار ائمة اطهار علیهم‌السلام به تصویر کشیده، پیرامون دو گلوآژه «ولی» و «حجت» به تفصیل سخن گفته است.

از شب عاشور تا آدینه ظهور

در بخش دوم، از پیوند مستحکم حضرت بقیة الله با امام حسین علیه‌السلام سخن گفته که او: «ثَارُ اللَّهِ» است و ایشان: «الْأَخِذُ بِالثَّارِ» و شعار یارانش: «یا لثارات الحسین» یعنی: ای خونخواهان خون حسین علیه‌السلام.

در این بخش از گرفتن انتقام خون مظلومان در راستای تاریخ، به دست آن امام مبین، براساس عدل و داد، به دور از هرگونه «اسراف» و «اجحاف» سخن رفته و نکته ظریفی در مورد ﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾^(۱) از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمود: این فراز از آیه در مورد قاتل امام حسین علیه‌السلام می‌باشد، یعنی: قاتل امام حسین علیه‌السلام در قتل زیاده‌روی نکند که خون آن حضرت به وسیله ولی دم آن حضرت مطالبه خواهد شد.^(۲)

۱. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۴۹.

آنگاه به فاصله زمانی ظهور در شب قدر (۲۳ رمضان) و آغاز قیام جهانی آن مصلح آسمانی در روز عاشورا اشاره شده است. (۱)

در آستانه ظهور

در بخش سوم از نشانه‌های ظهور، ویژگیهای جسمی، اسمی و وصفی آن امام نور سخن رفته، از طلوع خورشید امامت از وادی ذی طوی گفتگو شده، از تجلی نور فاطمی در پیشانی یوسف زهرا علیها السلام، قدرت جسمانی فوق بشری آن مصلح الهی، ویژگی‌های سپاه، پرچم، دعا و نیایش و شکوه بی نظیر آن امام همام تصویر شایسته‌ای ارائه شده است. در این بخش سرود زیبای دختران بنی نجار در مراسم استقبال از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان نمونه چکامه‌های روح بخش در هنگامه ظهور آن امام نور الگوسازی شده است.

نام نامی و یاد گرامی

در بخش چهارم لقب زیبای «امام مبین» از میان بیش از یکهزار نام و لقب آن حضرت انتخاب شده، از مواد مشترک بین آن حضرت و قرآن کریم سخن رفته، سخنان رمز گونه امام حسین علیه السلام، با بهره‌گیری از حروف مقطعه قرآن کریم بیان گردیده است. گفته می‌شود دستنویس امام حسن عسکری علیه السلام در طول قرون و اعصار

از حوادث روزگار مصون مانده در کتابخانه «دانشگاه هاروارد» محافظت می‌شود.

در این بخش تشرّف زیبای شماری از نیک‌بختان که به محضر شریف آن قبله موعود و کعبه مقصود بار یافته‌اند، به طور فشرده بیان شده است. در ادامه از اخلاص در عمل ستایش شده، نقش ریا و تزویر در حَبَطِ اعمال مطرح گردیده است.

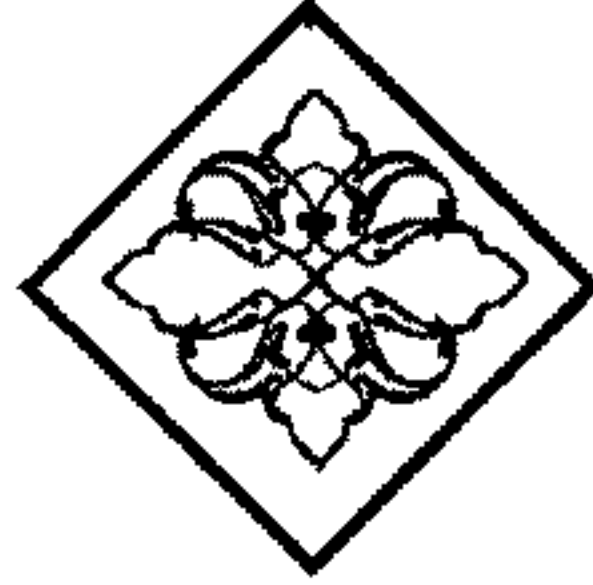
حسن ختام

در بخش پایانی از راز طول عمر حضرت خضر علیه السلام و نقش وجودی ایشان در انس با امام انس و جان و رفع غربت از آن حضرت و شبهه‌زدایی از طول عمر آن حضرت با استشهاد به عمر شش هزار ساله‌ی حضرت خضر علیه السلام گفتگو شده، در پایان با نقل داستان تشرّف شیخ محمد کوفی و مشاهده حضرت خضر در محضر آن حضرت حسن ختام یافته است. در پایان با آرزوی توفیقات روزافزون مؤلف گرامی، از خداوند منان خواهانم که در فرج آن حضرت تعجیل نموده، همه دست اندرکاران چاپ و نشر این کتاب را توفیق تشرّف عنایت فرموده، اسامی خوانندگان این کتاب را تفضلاً در لیست فائزین به لقای آن حضرت در دوران حکومت حقّه آن بزرگوار ثبت فرماید.

۱۲ ذیحجه الحرام ۱۴۳۰ ق.

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور



گفتار اول

اشکی بر ساحل فراق
یا شرحی موجز بر دعای شریف
اللهم کن لولیک...

قبل از ورود به حوزه این دعای شریف به پاسخ چند سؤال می پردازیم:

۱- حضرت بقیة الله صلوات الله علیه چه نیازی به دعای ما دارد که به ما سفارش قرائت این دعا و امثال آن شده است؟

علاوه بر اینکه تعبّد به ذات مقدّس باری تعالی، اقتضای عمل بی چون و چرا به دستورات اولیائش را دارد و دعا برای فرج آن حضرت و سلامتی آن عزیز نیز از این قبیل است، باید چند امر را مدّ نظر داشته باشیم:

الف) حضرت ولیّ عصر (عج) نیز بنده خداست و آن امام بر حق، نیازمند هر لحظه عنایت حضرت حق جلّ و علاست.

﴿إِنْ كُنُّ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ
عَبْدًا﴾ (۱)

هیچ کس در آسمان و زمین نیست، مگر اینکه خدای رحمان
را بنده آید.

ب) و شاید یکی از اسرار دعا برای حضرت، پیشگیری از غلوّ درباره

آن حضرت و گرفتار نشدن امت است به مثل آنچه که نصاریٰ به آن گرفتار شدند و گفتند:

﴿ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ﴾^(۱)

مسیح پسر خداست.

به عنوان مثال در دعای زیارت آل یاسین می خوانیم:

«وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَ آلَ رَسُوْلِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»^(۲)

خدایا او را از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت راست و از سمت چپش نگه دار و او را نگهبان باش و باز دار از اینکه به او بدی رسد و در وجود او نگه دار پیامبر و خاندان پیامبرت را که بر او و بر آنان سلام باد.

اینهمه تأکید برای اینست که بدانیم او بنده خداست و نیاز به حفظ او دارد. اگر چه خدای بزرگ او را در حفظ خویش دارد. چون وی آخرین ذخیره او برای هدایت بشر و اقامه قسط و عدل در کل گیتی است.

(ج) این دعاها نوعی ابراز محبت به ساحت مقدس آن عزیز خدای منان است.

(د) ما به دلیل اینکه در عصر غیبت آن امام قرار گرفته ایم و توان دفاع

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۳۰.

۲. فرازی از دعای بعد از زیارت آل یس [احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵].

از وجود آن حضرت در برابر دشمنان آقا را نداریم، دعای خویش را نثار مقدم آن امام ثقلین و سید کونین می‌کنیم که اگر دسترسی به آن حضرت داشتیم گویا می‌خواستیم از هر طرف آقا را احاطه کنیم از پیش رو، از پشت سر، از سمت راست، از سمت چپ، بالا و پایین پروانه وار گرد حضرتش گردش کنیم و چشم آن حضرت در برابر دشمنان آن حضرت باشیم و پیوسته همچون گروه فدایی گزارش دهیم که ما این راه را کنترل کردیم، خبری نبود. و در آن حال گویا از دور مراقبیم و در کنار او هستیم، پروانه‌اوییم، در حالیکه مانند پروانه‌ایم و گردش عاشقانه می‌چرخیم. همچون شمع در برابرش می‌سوزیم و کوچک و کوچک می‌شویم تا بدانجا که:

من بمردم، محو گشتم، آب گشتم، نیست گشتم، وانگه
دوباره زنده گشتم.

در یک کلمه، ما اگر امامان ظاهر بود، وظیفه داشتیم گرداگرد او پروانه وار بگردیم و اما چون دسترسی به حضرتش نداریم، بدل آن، دعای خویش را نثار مقدمش می‌نماییم.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

کیفیت قرائت این دعای شریف:

بعضی از بزرگان سفارش می‌کنند که قبل از قرائت دعای سلامتی حضرت بگوئیم:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا

مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا»

آن گاه عرضه داریم:

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى
آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ
قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. (۱)

خدایا برای ولایت حضرت حجت فرزند حسن که بر او و بر
پدرانش درود تو باد. ولی و نگهدار و پیشوا و یاور و راهنما و
چشم او باش، «یعنی او را از همه خطرات حفظ کن» تا او را
در زمینت ساکن گردانی که زمین و اهل آن را با طوع و رغبت
تسلیم او نمائی و او را برای مدت طولانی بهره‌مند سازی.

در اینجا در این دعای شریف دو لقب یا دو وصف برای امام زمان

ذکر شده:

۱- ولی

۲- حجت

حضرت حجت ولی خداست یعنی چه؟

در کتب صرف و نحو آمده است: وزن فعیل (۲) گاه به معنای فاعل

می‌آید و گاه به معنای مفعول.

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲. در کتاب تصریف جامع المقدمات گوید: و فعیل قد یجئ بمعنی الفاعل، كالرحیم بمعنی

الراحم و قد یجئ بمعنی المفعول، كالقتیل بمعنی المقتول.

در اینجا ولی به هر دو معنی به بهترین وجهی درباره حضرت، صادق است.

ولی به معنای فاعل، یعنی کسیکه ولایت خدا را پذیرفته:

﴿ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ... ﴾^(۱)

در آنجا، ولایت تنها برای خدای حق است.

اشاره به این مقام مانند اشاره به ملک کبیر در این آیه شریفه است:

﴿ وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا ﴾^(۲)

و هر گاه آنجا را ببینی، نعیمی (نعمتی تمام) و سلطنتی بزرگ مشاهده می‌کنی.

در آنجا در آن مقامی که از حواس و ادراک شما به دور است، ولایت محض مال خدای حق است که این ولایت، سرپای ولی مطلق حق را فرا گرفته، به حدی که به جز او و اراده او چیز دیگر را نمی‌بیند:

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ
دِينِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ
مِنَ الْغُيُوبِ وَ اَطَّلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ
طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ نَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.^(۳)

پس همانا او بنده توست که تو او را برای خویشتن خالص

۱. سوره مبارکه کهف، آیه ۴۴.

۲. سوره مبارکه دهر، آیه ۲۰.

۳. مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ص ۴۱۰.

گردانیده‌ای و او را برای یاری دینت پسندیده‌ای و او را به علمت، برگزیده‌ای و او را از گناهان معصوم داشته و او را از همه عیوب پاک گردانیده و او را بر غیبه‌ها آگاه گردانیده و بر او نعمت را تمام گردانیده و او را از هر پلیدی و چرک پاک گردانیده‌ای.

اگر بخواهید آنچه را که عرض شد، برایتان بُرهانی شود به این آیات توجه کنید: ﴿ اِنَّهُ لَقْرَانٌ كَرِيمٌ * فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا یَمَسُّهُ اِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴾ (۱) و همانا آن قرآن کریم است در لوح محفوظ، که جز پاکان کسی به حریم آن راه ندارد.

پاکان همان کسانی هستند که در حقشان آیه تطهیر نازل گشته. در اینجا می‌گوییم چون که صد آمد نود هم پیش ماست. پس وقتی که حقیقت قرآن را جز مطهرون درک نکنند، پس حقیقت آیه ﴿ هُنَالِكَ الْوَلَایَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ﴾ (۲) را فقط مطهرون لمس می‌کنند که نور و حقیقت این ولایت در مشکوٰة وجودشان متجلی است و اگر غیر از این بود خدای بزرگ به این عزیزان مقام رسالت و وساطت در فیض و امامت را عطا نمی‌کرد. و اما ولی، به معنای اسم مفعول یعنی آقاییکه خدا ولایتش را به او عطا کرده، او را ولی خویش گردانیده و به مقام ولیّ اللّهی نائل گشته: ﴿ اَلَا اِنَّ اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ ﴾ (۳) آگاه باشید که اولیاء الله هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان غمگین می‌شوند.

۱. سوره مبارکه واقعه، آیه ۷۹.

۲. سوره کهف، آیه ۴۴.

۳. سوره مبارکه یونس، آیه ۶۲.

﴿ إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴾ (۱) همانا ولی

من آن خدایست که کتاب را نازل فرمود و آن خدا و لایت صالحان را به عهده گرفته .

باز در اینجا دو نکته درباره ولی عصر (عج) مشهود است :

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود :

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَجْرِي فِي آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي فِي أَوَّلِنَا .

این قرآن درباره آخر ما جاری می شود ، همانگونه که درباره

اول ما جاری می شود .

همانگونه که این آیه سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است ، سخن اهل بیت

پیغمبر و از جمله آقا امام زمان (عج) نیز هست . یعنی الآن هم حضرت

مهدی به ما می گوید : إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ .

مگر نه اینست که آیه مبارکه : ﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ

الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾ (۲) و به حقیقت خودمان و عزت و جلال

خودمان قسم می خوریم که ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که وارث زمین تنها بندگان

صالح من می شوند . که این آیه هم مبشر ظهور حضرت ولی عصر (عج) و

هم رجعت امامان معصوم علیهم السلام است . پس خدای بزرگ عهده دار ولایت

عباد صالحی است که وارث زمینند . پس او ولی ولی عصر است .

و در اینجا سخن مولا امیرالمؤمنین گوشنواز ماست :

« نَحْنُ صَنَاعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَاعُ لَنَا . »

۱. سوره مبارکه اعراف ، آیه ۱۹۶ .

۲. سوره مبارکه انبیاء ، آیه ۱۰۵ .

ما دست پرورده‌های پروردگار مانیم و خلق پس از آن دست
پرورده‌های ما هستند. (۱)

(۲) دومین صفت و یا لقب برای حضرت که در این دعای شریف
ذکر شده حُجَّت است که ما هم در ایام غیبت موظف به ذکر این وصف
برای حضرتیم.

ابو هاشم جعفری می‌گوید: از صاحب عسکر، یعنی امام هادی علیه السلام،
شنیدم که می‌فرمود: امام بعد از من فرزندیم حسن است،

فَكَيْفَ أَنْتُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ؟

پس چگونه خواهید بود نسبت به جانشین بعد از جانشین؟

عرض کردم: چگونه؟ فرمود:

«يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَعِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَةٌ».

شخصش از شما غایب می‌شود و برای شما ذکر نامش
حلال نیست.

عرض کردم پس چگونه نام ببریم؟ فرمود:

قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

بگویید: حجت، از خاندان محمد، که بر آنان درود باد. (۲)

چرا امام زمان حُجَّت نامیده شده است؟ زیرا او «کلمة الله» است

۱. نهج البلاغه، بخش نامه‌ها، نامه ۲۸.

۲. کمال الدین شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۸۱.

و کلمة الله برتر است :

کَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا،^(۱) و نیز^(۲) کلمة تامة پروردگار ، یدالله و غالب بر خصم و دشمن می باشد.

حجت در لغت به معنای غلبه است . چون امام معصوم است ، هیچکس در مقام محاجّه ، گفتگو و بحث بر امام نمی تواند غلبه کند ، بلکه خدای بزرگ امام علیه السلام را حجّت و وسیله غلبه بر عاصیان و نافرمانانش قرار داده و به آنها می گوید : من دستوراتم را از طریق پیغمبر و دختر پیغمبر و ائمه معصومین ابلاغ کردم . رفتار و اخلاق آنها را الگو قرار دادم ، چرا عمل نکردید ؟

نکته دیگر درباره امام زمان علیه السلام اینست که وقتی شما در پیامهای قرآن دقت کنید می بینید که به اهل کتاب می گوید :

﴿ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ ... ﴾

ای اهل کتاب چرا با یکدیگر درباره ابراهیم بحث می کنید و هر یک می خواهید بر دیگری غلبه کنید ، یهودی بگوید ابراهیم یهودی است و نصرانی بگوید ابراهیم نصرانی است ، در حالیکه : ﴿ ... وَ مَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ... ﴾ . و تورات و انجیل نازل نگشته مگر بعد از ابراهیم .^(۳)

۱. سوره توبه ، آیه ۴۰ .

۲. و خدای بزرگ در سوره انعام ، آیه ۱۱۵ ، می فرماید : ﴿ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ ﴾ . کلمه پروردگارت از روی راستی و عدل تمام گشت ، هیچ تبدیلی کننده ای برای کلماتش وجود ندارد و در زیارت ال یاسین می خوانیم : « کلمتک التامة فی ارضک » . و بر کلمة تام تو در زمین درود فرست .

۳. سوره مبارکه آل عمران ، آیه ۶۵ .

حضرت حجّت صلوات الله علیه نیز وقتیکه ظاهر شوند، می فرمایند :

إِيَّهَا النَّاسُ فَمَنْ خَاجَنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَىٰ بِآدَمَ....

مردم هر کس بخواهد با من درباره آدم محاجه و مباحثه کند و او را وسیله غلبه بر من قرار دهد پس من به آدم سزاوارترم و هر کس بخواهد با من درباره ابراهیم مباحثه کند پس من به ابراهیم سزاوارترم.... و هر کس بخواهد با من درباره محمد مباحثه کند پس من به محمد ﷺ سزاوارترم. سپس در ادامه سخنشان می فرمایند :

فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ.... وَ صَفْوَةٌ مِنْ

مُحَمَّدٍ ﷺ.

پس من بقیه‌ای از آدم و ذخیره‌ای از نوح و... و برگزیده‌ای از نسل محمد ﷺ هستم. (۱)

در اینجا می توان گفت بلکه خود حضرت حجّت صلوات الله علیه، حجّت انبیاء و اولیاء هستند و این دلیل حقانیت آنهاست و اینکه خدای بزرگ یک امام را صدها سال زنده نگه داشته و ذخیره خویش برای اقامه عدل و ظهور دین حق گردانیده دلیل بر حقانیت راه این سلسله عظیم از انبیاء و اولیاء است که آقا آخرین حلقه این گوشواره عظیم است صلوات الله علیه و علی آبائه (درود بر او و بر پدرانش).

اللَّهُمَّ كُنْ ... فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيّاً وَ حَافِظاً

وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ ذَليلاً وَ عَيناً....

در این ساعت و در هر ساعت ولی و حافظ و پیشوا و یاور و
راهنما و چشم او باش.

برای ولایت ولی باش، یعنی خداوند ولیّ او هست:

﴿ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾ ؛

آن خدا ولیّ آنهاست به خاطر آنچه که انجام می دادند. (۱)

خدای بزرگ ضامن حفظ امام و اداء آن چیزی است که به امام
زمان (عج) وعده داده و خود عهده دار وفای به آن چیز است که برای
حضرت ولی عصر (عج) ضامن شده.
« و حافظاً » و نگهدار او باش.

خدای بزرگ حافظ آن حضرت از همه آسیب‌هایی است که ممکن
است جان آن عزیز خدا و خلقتش را تهدید کند، چنانکه در دعای
زیارت آل یاسین عرضه می‌داریم:

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ
شَمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ اَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ .

خدایا او را از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت
راستش و از سمت چپش حفظ کن و او را نگهبان و مواظب
باش و او را باز دار از اینکه بدی به او برسد. (۲)

و نیز آسمان علوی، به مصداق پیک وحی، آن حضرت را از هر

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۷.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

شیطان رانده شده‌ای حفظ نموده:

﴿ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴾^(۱)

« و قائداً » پیشوای او و راهبر او (باش)

این الفاظ زیبا که پشت سر یکدیگر ردیف شده‌اند در اصل در کاروانهای قدیم کاربرد داشته‌اند و اکنون نیز به شکلی دیگر بدین ترتیب: « ولی، حافظ، قائد، ناصر، دلیل، عین ».

(۱) « ولی »

کسی که در حال سفر برای خود و یا خانواده‌اش نسبت به حفظ سلامتیش در سفر بیم دارد و یا کسانی که نسبت به هزینه سفر و ورود و خروج در کاروانسراها و مسافرخانه‌ها احتیاج به یاری دارند، فردی آگاه، توانا و خبره، عهده دار این شخص می‌شود و در اصطلاح به چنین شخصی « ولی » گفته می‌شود.

(۲) « حافظ »

کاروان، در راه با خطرات فراوان روبروست. برای رهایی از این خطرها احتیاج به نیروی محافظ، نگهبان و مستحفظ دارد (سرقافله).

(۳) « قائد »

کاروان نیازمند به مدیر و فرمانده است که دستور حرکت، ورود، خروج، توقف، انتخاب راه و ... را صادر می‌کند.

۱. سوره مبارکه حجر، آیه ۱۷.

(۴) «ناصر»

«یاور»: یا معاون سر قافله که قائد را در امورش یاری می‌کند.

(۵) «دلیل»

راهنما، که قافله را به مواضع آب، چرای حیوانات، نقاط فرود برای استراحت و وقت حرکت، عبور از منطقه کوهستان و گردنه هدایت می‌کند.

(۶) «عین»

چشم، جاسوس، مراقب شخص یا اشخاصی که قبل از حرکت کاروان، وضعیت راه را بررسی کرده و ایمنی و بی‌ناامنی راه را به کاروان گزارش می‌کنند. تقریباً این کلمه در مفهوم با رائد «جلودار» یکی است.

حال به این دعای شریف توجه کنید:

خدایا! ولی و حافظ و قائد و ناصر و دلیل و عین ولایت حضرت حجّت، زاده حسن باش. تا کی؟ تا بدان هنگام که او را در روی زمین ساکن گردانی که زمین با طوع و رغبت در اختیار آقا قرار گیرد.

پس گویا غیبت آن حضرت به منزله یک سفر طولانی است.

اولاً، مقصد این سفر، هنگامه ظهور و اسکان آن حضرت در زمین است به نحوی که همه چیز در اختیار حضرت قرار گیرد که خدای بزرگ در این مدت طولانی:

۱- ولیّ اوست. همه امور او را در اختیار خود گردانیده، گرچه همه

موجودات تحت فرمان او هستند.

۲- ﴿ مَا مِنْ ذَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾ (۱)

هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه خدا ناصیه، موی دو طرف پیشانی‌اش را در اختیار دارد همانا پروردگار من بر صراط مستقیم است.

و لکن فیض رسانی خدای بزرگ از طریق اسباب و وسائط عالم ملکی و ملکوتی و جبروتی است. اما خدای بزرگ امرش نسبت به حضرت ولی عصر (عج) به گونه‌ای دیگر است: ﴿ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ﴾؛ (تو در برابر دیدگان مایی) (۲) خود، امورش را به عهده گرفته و هم او دلیل و عین اوست و آن زمانی که ظهور و فرود در جایگاه موعود فرارسد، خود به او دستور می‌دهد،

شاید حافظ به این نکته پی برده بود که عرضه می‌داشت:

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا:

تا او را در زمین با طوع و رغبت ساکن گردانی که آن کنایه از تسلیم با میل و رغبت اهل زمین به پیشگاه مقدس آن حضرت است و نیز می‌تواند کنایه از در اختیار قرار دادن خدای بزرگ همه نیروهای ظاهری و باطنی این زمین به امام زمان (عج) باشد.

۱. سوره مبارکه هود، آیه ۵۶.

۲. سوره طور، آیه ۴۸.

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام :

وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كَبِيدِهَا.

و زمین پاره های جگرش را برای او بیرون می ریزد. (۱)

و نیز این کلام مولا در نهج البلاغه :

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلِذَا
وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا
فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾ .

و قسم می خورم که دنیا بر ما روی می آورد و توجه می کند بعد
از اینکه به ما پشت نموده همانند توجه ناقة سرکش بر
فرزندش (۲) و به دنبال آن این آیه را تلاوت فرمودند: و اراده
می کنیم تا بر کسانی که در زمین به ضعف کشانیده شدند نعمت
را تمام کنیم و آنان را امام گردانیم و آنان را وارث قرار دهیم. (۳)

وَ تُمَتِّعُهُ فِيهَا طَوِيلًا.

تا او را برای مدت طولانی در زمین بهره مند گردانی.

در اینجا ذکر چند نکته لازم است.

۱- روز ظهور ولی عصر ارواحنا فداه، آغاز کامروایی اولیاء خدا از
جمله منتظران حضرت ولی عصر (عج) است و نیز روز افول کامروایی
دشمنان حق و اهل باطل.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۰۹.

۳. سوره قصص، آیه ۵.

قال الله تعالى: ﴿وَإِنْ أَدْرَى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (۱).
 بگو و نمی دانم (در عین دانستن در برابر او نادانم) و چه بسا آن
 وسیله آزمایشی باشد برای شما و بهره‌ای و کامجویی تا هنگامی.
 و این «الی حین» تعبیر بسیار لطیفی است. کلمه به صورت نکره،
 بلکه در قالب اسم ویژه نکره است که تعریف آن با «ال» جایز نیست، و
 آن نشان دهنده و بزرگنمایی وقتی است که خدا به آن با «حین» اشاره
 کرده است.

۲- و فعل مضارع «تُمَتَّعَ» که از باب تفعیل است شاید اشاره به
 دوره‌های متعدد حضرت، پس از ظهور داشته باشد و شاید اشاره به
 کامروایی پس از کامروایی آن حضرت برای مدت طولانی داشته باشد.
 ۳- و در روایتی مدت زمان حکومت حضرت را تا روز قیامت و نفخه
 اول صور دانسته‌اند (۲) و در این سخن زیبا که از فرمایشات منسوب به
 امام صادق علیه السلام است در ذیل آیه مبارکه:

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا

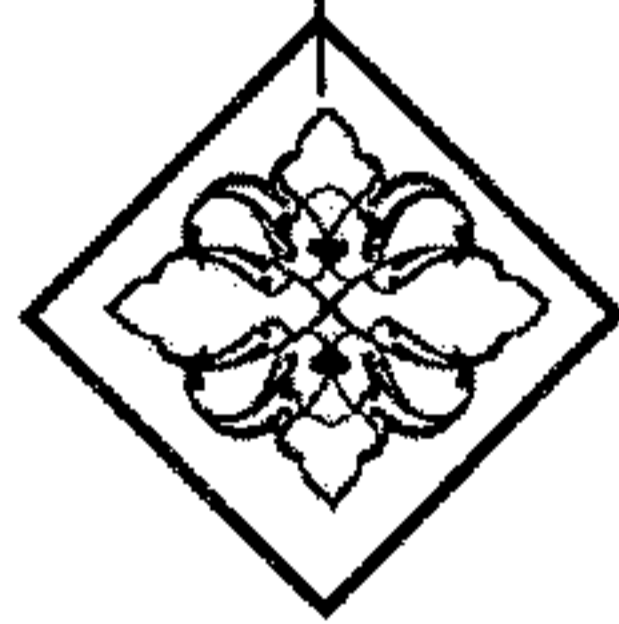
۱. سوره انبیاء، آیه ۱۱۱. و این آیه از آیاتی است که حضرت امام حسن مجتبی در پس صلح
 شرافتمندانه‌اش و اعتراض گروهی از اصحابش در پایان سخنش آن را تلاوت کردند و
 شاید خواستند بفرمایند که این نوع آزمایش برای شیعه و کامروایی است در باطن برای
 شیعه و در ظاهر برای دشمن مخالف تا چه هنگام؟ الی حین.

۲. براساس روایات معتبر مدت فرمانروایی حضرت ولی عصر ارواحنا فداء ۳۰۹ سال، برابر
 درنگ اصحاب کهف در غار می‌باشد، اما رجعت در واقع ادامه حکومت حقّه آن حضرت
 می‌باشد و براساس روایات رجعت، آخرین فردی که رجعت می‌کند وجود مقدس آن حضرت
 می‌باشد، در نتیجه حکومت آن حضرت تا پایان جهان و اولین نفخه صور ادامه دارد.

دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ أَمَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً
غَيْرَ مَجْذُوزٍ ﴿١﴾

و اما کسانی که به سعادت رسیدند، در بهشتند و در آن
جاویدان هستند تا آن زمان که آسمانها و زمین پا بر جاست،
مگر آنچه که خداوند خواهد، این عطایست که هرگز بریده و
قطع نمی شود.

حکومت حضرت مهدی علیه السلام را پس از ظهور تا قیامت دانسته و
فرموده اند این عطایست که هرگز بریده نمی شود.



گفتار دوه

يا لثارات

﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلطاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ
كَانَ مَنْصُوراً ﴾ (۱)

و هر که مظلومانه کشته گردد پس برای ولیّش سلطنتی بر قاتل (کشنده) قرار دادیم «که می تواند او را قصاص کند» پس در قتل زیاده روی نکند، همانا او یاری شده است.

ممکن است انسان در بدو امر چنین فکر کند که این آیه معنایی فراگیر دارد و هر کس که مظلومانه کشته شود را شامل می شود، اما با تأمل در روایات وارده از خاندان رسول خدا ﷺ این چنین به دست می آید که آیه در نگاه نخستینش نظر به یک مقتول دارد و آن آقا امام حسین علیه السلام است که گویا فرشته وحی با ابلاغ این آیه خبر از شهادت امام حسین داده:

الموعود بشهادته قبل استهلاله (۲)

همان امامی که به شهادتش وعده داده شده قبل از آنکه گریه در بدو تولدش احساس گردد.

۱. سوره مبارکه اسراء، آیه ۳۳.

۲. فرازی از دعای روز سوّم شعبان [مصباح المتهدّد، ص ۸۲۶].

و این مقتول، مظلوم به تمام معنا که دارای عصمت محض است که در تمامی عمرش از او سهوی و لغوی صادر نشده و آنچنان خدا را بنده است که در صلواتش می خوانیم:

و بالغ فی رضوانك .

ای خدا! این حسین در راه تحصیل رضایت تلاش را به اوج کمال رسانید.

هم او که شیبه اش (موی صورتش) مقدّس است که، امام ما حضرت مهدی (عج) بر این محاسن شریف درود می فرستد:

السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ

سلام بر موی سفیدی که با خون مبارکش خضاب شده

لَمْ يَعْصِكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ

در هیچ شب و روزی تو را نافرمانی نکرد.

خدای بزرگ برای خون این امام، خود ولی قرار داده و این ولی در یک نگاه همه امامان معصوم علیهم السلام از نسل امام حسین علیه السلام هستند که خود فرموده اند: و نحن اولیاءه. (ما اولیای دم او هستیم).

و در نگاه دیگر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی له الفرج است که چند حدیث اثبات کننده این موضوع است:

۱ - فی روضة الکافی علی بن محمد عن صالح عن الرجال عن بعض

اصحابه عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل:

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا

يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ﴿۱﴾ ، قال : نزلت في الحسين عليه السلام
لو قتل اهل الارض به ما كان سرفاً .

راوی در این سخن می گوید : از ابی عبدالله علیه السلام ، یعنی امام صادق علیه السلام
درباره این سخن پروردگار که عزیز و پر شوکت است سؤال کردم : و
کسی که مظلومانه کشته گردد پس برای ولی او وسیله تسلط قرار دادیم
پس در قتل زیاده روی نکند . فرمود :

درباره حسین علیه السلام نازل شده که اگر همه اهل زمین به آن کشته
گردند هیچ زیاده روی نخواهد بود .^(۱)

فی تفسیر العیاشی جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال :

نزلت هذه الآية في الحسين علیه السلام : ﴿ وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا
لِوَلِيِّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ﴾ قاتل الحسين علیه السلام ^(۲) انه كان منصوراً
قال : الحسين علیه السلام .^(۳)

امام باقر علیه السلام فرمودند :

این آیه درباره امام حسین علیه السلام نازل شده است : و آن کس که

۱. کلینی ، الکافی ، ج ۸ ، ص ۲۱۲ .

۲. و گویا در بعضی نسخ به جای حسین . الحسن ضبط شده است و در نتیجه معنا چنین
می شود : و آن کس که مظلومانه کشته گردید پس ما برای ولیش سلطان قرار دادیم پس در
قتل امام حسن زیاده روی نکند . فرمود یا حسن علیه السلام همانا امام حسین علیه السلام یاری می شود .
گویا این آیه در مورد هر دو قتیل مظلوم حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام
است . تفسیر نورالثقلین ، ج ۳ ، ص ۱۶۳ ، حاشیه حدیث ۴۰۰

۳. تفسیر عیاشی ، ج ۳ ، ص ۴۹ .

مظلومانه کشته گردید پس ما برای ولیش سلطان قرار دادیم ،
 پس کشته حسین علیه السلام در قتل او زیاده روی نکند ، که زیاده
 روی کردند ، همانا او فرمود ، یعنی منظور حسین علیه السلام است ،
 خدا او را یاری می کند .

در اینجا توجه خواننده محترم را به دو نکته جلب می کنیم :

۱- با توجه به این دو روایت و دو سخنی که بعداً در دنباله همین
 گفتار نقل می کنیم « مَنْ » در آیه مبارکه به صورت شرطیه معنی
 نمی شود بلکه « مَنْ » با این وصف موصوله می گردد که مانیز در
 ترجمه این دو حدیث آن را بدینصورت لحاظ کردیم و این آیه پس
 خبر دهنده از بعض ملاحم و آشوب های آینده در این امت است که در
 همین سوره مبارکه خدای بزرگ در دو جای دیگر به نحو تأویل ، به این
 مطلب پرداخته :

(۱) نخستین اشاره :

﴿ وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ
 فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ تَعْلَنَّ عُلوًّا كَبِيرًا ﴾ (۱)

و ما بسوی بنی اسرائیل ، یا یهود این امت ، در کتاب به حتم
 قرار دادیم که شما در روی زمین دو مرتبه فساد راه می اندازید
 و برتری جویی بزرگی خواهید داشت .

که در روایت امام صادق علیه السلام مراد از دو مرتبه فساد در زمین ، این گونه

توضیح داده شده است:

قتل علی بن ابیطالب و طعن الحسن علیه السلام
کشتن علی بن ابیطالب و نیزه زدن به حسن علیه السلام (۱)

(۲) دیگر اشاره:

﴿ ... وَ مَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ
وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ ﴾ (۲)

و مراد از برتری جویی بزرگ زمین را: «قتل الحسین علیه السلام»
کشتن حسین علیه السلام گرفته‌اند.

و ما قرار ندادیم رؤیایی که به تو نشان دادیم مگر آزمایشی
برای مردم و نیست آن رؤیا مگر همان درخت ملعونه، لعن
شده و طرد شده در قرآن.

که در روایات مستفیضه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام تصریح گشته که آنان
بنی امیه هستند، حتی در روایتی که طبرسی نقل می‌کند، می‌گوید:

لم يستجمع بعد ذلك ضاحكاً حتى مات. (۳)

بعد از این رؤیا هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله خندان دیده نشد تا
از دنیا رفت.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که قرآن دارای نظم معنایی در

۱. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۳۷.

۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۶۰.

۳. مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۵۴.

درون دیگر است و ما شاهد این نظم معنایی زیبا در بین این آیات و از جمله آیه مبارکه هستیم:

﴿ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ... ﴾^(۱)

روزی که ما هر دسته از مردمی را با امامشان فرامی خوانیم.

۲. نکته دوم: در حدیث شماره دو دیدیم که امام باقر علیه السلام پس از تفسیر: «فلا یسرف فی القتل» فرمودند: قاتل الحسین علیه السلام که گویا قاتل در این بیان فاعل برای «لا یُسْرِفُ» است که در نتیجه معنی چنین می شود: ما برای این مظلوم مقتول ولی قرار دادیم، قاتل امام حسین علیه السلام در قتلش نباید زیاده روی کند زیرا که او «امام حسین علیه السلام و یا امام زمان (روحی له الفداء) یاری می شود پس در این آیه با توجه به این تفسیر این قاتل است که نباید زیاده روی در قتل بکند نه ولی دم.

معنای اسراف در قتل

اصل معنای لغوی اسراف همان گونه که راغب می گوید:

السَّرْفُ: تَجَاوُزُ الْحَدِّ فِي كُلِّ فِعْلٍ يَفْعَلُهُ الْإِنْسَانُ.

گذشتن از حد در هر کاری که انسان انجام می دهد.^(۲)

پس اگر کسی خون را به ناحق بریزد اسراف در آن خون کرده یعنی حتی یک قطره خون از بینی بی گناهی در آوردن اسراف است تا چه

۱. سوره مبارکه بنی اسرائیل، آیه ۷۱.

۲. مفردات راغب، ص ۲۳۱.

رسد به اینکه خون بی گناه ریخته شود.

ولی دم امام حسین علیه السلام :

۳ - عن سلام بن المستیر عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله: ﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً ﴾
 قال: هو الحسين بن علي قتل مظلوماً و نحن اولياؤه. و القائم منا إذا قام طلب بشار الحسين علیه السلام فيقتل حتى يقال: قد أسرف في القتل و قال النبي:
 المقتول، الحسين علیه السلام و وليه القائم و الاسراف في القتل أن يقتل غير قاتله
 إنه كان منصوراً فانه لا يذهب من الدنيا حتى ينتصر برجلٍ من آل
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً. (۱)

حضرت باقر علیه السلام درباره این حدیث فرمود:

او حسین زاده علی است مظلومانه کشته گردید و ما اولیاء (صاحبان) خون او هستیم و قائم از ما هرگاه قیام کند، جویا شود خون حسین را، پس آن قدر بکشد تا گفته شود در قتل زیاده روی کرده و پیغمبر فرمود:
 مقتول حسین علیه السلام و ولیش (اختیار دار خونش) قائم است و اسراف در قتل یعنی اینکه ولی غیر قاتلش را بکشد (۲) همانا او منصور است،

۱. تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۵۰.

۲. همان گونه که در این حدیث تصریح شده بدون تردید حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به هنگام خونخواهی امام حسین علیه السلام به جز قاتلان امام حسین و قاتلان شهدای کربلا را نمی کشد، در این رابطه احادیثی به عمد جعل شده که سیمای ملکوتی آن حضرت را مشوه کنند، در این رابطه تحقیقی توسط راقم این سطور انجام گرفته، در فصلنامه انتظار، شماره ۱۴، ص ۸۹-۱۳۰، منتشر شده است. «م»

(یعنی خود امام حسین علیه السلام ، یا ولی دم آن حضرت) پس همانا دنیا به پایان نمی‌رسد تا حسین علیه السلام یاری شود به مردی از خاندان فرستاده خدا، زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

منصور علیه السلام در دو نگاه :

در یک نگاه در این آیه مبارکه ، منصور امام حسین علیه السلام است و در نگاه دیگر خود حضرت حجّت ، امام زمان صلوات الله علیه است و دلیل بر آن زیارت عاشورای حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که از جمله احادیث قدسیه محسوب می‌شود که در آن می‌خوانیم :

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَاسْتَلُّ اللّٰهَ الَّذِي
 أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يُرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامِ
 مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

پدر و مادرم فدایت ، قسم می‌خورم که من سخت مصیبت زده شمایم ، پس ، از خدایی که جایگاه شما را و ما را نیز به برکت شما گرامی داشت ، درخواست می‌کنم که مرا روزی کند جویا شدن خون شما را ، با امام منصور از خاندان محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد . (۱)

باید عاشورای دیگر برپا شود

و چون امام حسین علیه السلام مظلومانه کشته گردید که او « اکرم المستشهدین

و سید الشهداء و نیز امام هدایت، سفینه نجات، حجت خدا، داعی الی الله و...» است و خدا خود پاسخ‌گوی خون امام حسین است و خود برای این خون ولی قرار داده، لذا باید بسیاری از خصوصیات عاشورای ۶۱ در قیام حضرت ولی عصر لحاظ شود، بدین ترتیب:

(۱) حتماً قیام در روز عاشورا صورت گیرد.

(۲) و عاشورا در روز شنبه باشد همانگونه که عاشورای سال ۶۱ مصادف با روز شنبه بود.

(۳) و باید سالش طاق باشد که عاشورای امام حسین علیه السلام در سال طاق (۶۱) واقع شده است.

(۴) ملائکه‌ای که برای یاری امام حسین فرود آمدند و به آنان اجازه یاری داده نشد یعنی گروه چهار هزار نفره‌ای که به فرماندهی فرشته منصور در روز عاشورا فرود آمدند، باید تا قیام امام زمان (عج) بمانند و در رکاب آقا باشند و آقا را یاری کنند.

(۵) شعار یاران حضرت مهدی در روز قیام «یا لثارات الحسین» باشد. و اکنون این شما و این روایات که گویای نکته‌های ذکر شده است:

۱ - الفضل (یعنی فضل بن شاذان النیشابوری) عن محمد بن علی عن محمد بن سنان عن حی بن مروان عن علی بن مهزیار (قال): قال ابو جعفر علیه السلام:

کانتی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام بین یدیه جبرئیل ینادی «السیعة لله» فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.

ابو جعفر علیه السلام (ظاهراً مراد امام جواد علیه السلام است) فرمود: گویا من

قائم علیه السلام را مشاهده می‌کنم که روز عاشورا، روز شنبه در حالی که ایستاده بین رکن و مقام، یعنی مقام ابراهیم، جبرئیل روبروی او ندا کند: این بیعت برای خداست، پس زمین را پر از عدل می‌کند، همان گونه که پر از ستم و ناروایی شده باشد. (۱)

۱ - حدیث دیگر فضل بن شاذان که ما آن را از ارشاد شیخ مفید نقل می‌کنیم که بخش اول آن را شیخ طوسی در غیبتش آورده:

الفضل بن شاذان عن محمد بن علی الكوفي عن وهب بن هفص عن ابي بصير قال: قال ابو عبدالله علیه السلام:

ینادی باسم القائم علیه السلام فی لیلة ثلاث و عشرين و یقوم فی یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیہ الحسین بن علی علیه السلام لکأنی فی یوم السبت العاشر من المحرم قائماً بین الرکن و المقام جبرئیل عن یمینه ینادی: البیعة لله .

فتصیر الیه شیعته من اطراف الارض، تطوی لهم طیباً حتی یبایعوه فیملأ الله به الارض عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به نام قائم در شب بیست و سیم ماه رمضان ندا می‌شود و قیام می‌کند در روز عاشورا در همان روزی که حسین زاده علی علیه السلام کشته گردید که گویا من در روز شنبه دهم محرم قرار دارم و قائم علیه السلام را به چشم خود می‌بینم که بین رکن و مقام، یعنی در مسجد الحرام، ایستاده جبرئیل در سمت راست اوست و ندا می‌کند: «این بیعت برای خداست» پس شیعیان او از گوشه‌های زمین در حال حرکتند، زمین برای آنان درهم پیچیده می‌شود، پس خدا به وسیله او زمین را پر

از دادگری می‌کند همانگونه که پر از بیراهگی و ستم شده باشد. (۱)
۲- حسن محبوب از علی بن ابی حمزه از ابی بصیر از ابی عبدالله،
یعنی امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:
لا یخرج القائم علیه السلام الا فی وتر من السنین، سنه احدی، او ثلاث، او
خمس، او سبع، او تسع.

قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر در طاقی از سالها، یک یا سه یا پنج یا
هفت یا نه. (۲)

۳- و نیز در عده‌ای از احادیث ذکر شده که چهار هزار نفر فرشته به
فرماندهی فرشته‌ای به نام ملک منصور در روز عاشورا به سرزمین
کربلا هبوط نمودند و به آنان اجازه یاری داده نشد به خصوص در یک
سخن از امام صادق علیه السلام اینچنین می‌بینیم:

هبطوا للتصر فلم یؤذن لهم فهم شعث غبیر الی أن یقوم
(یخرج) قائمنا....

اینان برای یاری فرود آمدند، پس به آنان اجازه داده نشد،
پس آنان ژولیده موی و غبار آلودند تا وقتی که قائم ما علیه السلام
خروج کند. (۳)

و در روایات عدیده آمده که این جماعت، یاران حضرت مهدی علیه السلام
و مأموران تحت فرمان آن آقا هستند و از جمله شعار یاران حضرت

۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. همان.

۳. امالی شیخ صدوق، ص ۱۱۲.

مهدی (عج) در خطاب به این دسته از فرشتگان «یا منصور اُمّت» است
(ای منصور، بمیران، بکش) می باشد. (۱)

معنای یا لثارات الحسین

یا لثارات الحسین را به دو گونه می توان معنی کرد:

۱) اینکه لام آن را لام استغاثه گرفته و بنا بر این یا لثارات منادای
مستغاث می شود بدین معنی: ای خونهای بنا حق ریخته شده، امام
حسین ما را یاری کنید. چرا؟ چون این خون همچنان جوشش دارد:
اشهد ان دمك سكن في الخلد و اقصعت له اظلة العرش و بكي له
جميع الخلائق من خلق ربنا ما يري و ما لا يري و من يتقلب في الجنة
والتار.

(یا ابا عبدالله) شهادت می دهم که خونت در خلد برین ساکن شد و
برای این خون سایه بانهای عرش الهی به لرزه در آمد و همه آفریدگان
برای این خون گریستند، از خلق پروردگارمان آنچه که دیده می شود و
آنچه که دیده نمی شود و آنان که در بهشت و دوزخ صاحب منصب اند و
یا در گشت و گذارند (۲) و این خون است که در روایت داریم ملائکه آن
را با قارورهایی (شیشه‌هایی) از بهشت گرفتند و این خون همچنان
تازه است.

پس یاری جستن از این خون یاری جستن از صاحب این خون، بلکه

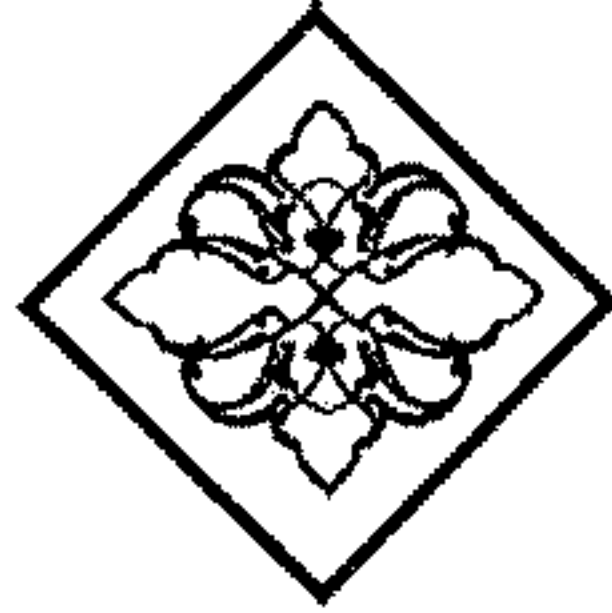
۱. همان.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۷۶.

خدای بزرگ که ولی این خون است تا خدای بزرگ، امام زمان (عج) و یارانش را یاری کند.

(۲) ای قسم به خونهای به ناحق ریخته شده امام حسین علیه السلام، که به خود خون قسم یاد می شود و یا می تواند یا لثارات الحسین در اصل چنین باشد: «یا الله و لثارات الحسین» ای خدا تو را به حق خونهای به ناحق ریخته شده امام حسین قَسَمَت می دهیم. آمین یا رب العالمین (۱)

۱. در اینجا معنای سوّمی نیز به نظر می رسد و آن اینست که «ثار» به معنای خونخواه باشد و یا لثارات خطاب به خونخواهان خون امام حسین علیه السلام، یعنی حضرت مهدی و سپاه مهدی و فرشتگان، باشد. «م»



گفتار سوم

راهی به کوی جانان

ذکر علاماتی که با آنها، حضرت قائم علیه السلام شناخته می‌شود

در ابتدا، این گفتار را زینت می‌دهیم به زیور کلام الهی جل و علا:

﴿ وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَاراً وَسُبُلًا

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ * وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴾^(۱)

و در زمین لنگرگاههایی و کوههایی، قرار داد که مبادا شما را

بلرزاند و نیز، نهرهایی و راههایی تا شاید هدایت شوید و

علاماتی، وسیله هدایت شما قرار داد، و به ستارگان آنان

هدایت می‌شوند.

چگونه می‌شود خدای بزرگ برای هدایت انسان در گردشش به دور

زمین و در اطراف و گوشه‌های آن نشانه‌هایی قرار دهد و برای ما نشانه‌هایی

برای راهیابی به امام آسمانیان که خود او را برگزیده قرار ندهد؟!

حال در یک نگاه علامات حضرت مهدی (عج) را می‌توان بدین صورت

تقسیم کرد:

۱- علائم عمومی که هم در عصر غیبت و هم در عصر ظهور با آنها حضرت شناخته می‌شود.

۲- علائم اختصاصی عصر ظهور (که انشاء الله در گفتاری جداگانه پیرامون این دسته از علامات بحث می‌شود).

و اما علائم عمومی بدین روال تقسیم پذیرند:

الف) سیمایی

ب) صفاتی

ج) قرآنی

د) ملکوتی

ه) جبروتی (که این قسم اخیر از موضوع بحث ما فعلاً خارج است).

الف) سیمایی

که آن متجاوز از بیست علامت است.

۱- پیشانیش بلند و کشیده (اجلی الجبهه)

۲- ابروهای آن امام به هم پیوسته

۳- بینی مقدسش باریک (اقنی الأنف) در حالی که قسمت بالایی

بینی‌اش که محل استشمام بو است قدری برجستگی دارد.

۴- موی سر و صورتش سیاه و لکن نور صورتش مانع از رؤیت آن

به رنگ سیاه می‌شود: (نور وجهه یعلو سواداً لحیته و رأسه) نور صورتش

بر سیاهی محاسن شریف و موی سر مبارکش غلبه می‌کند. (۱)

- ۵- بر گونه راستش خالی است که همانند ستاره‌ای است درخشان
(علی خذّه الأيمن خال کانه کوکب دری)
- ۶- دندانهای حضرت در نهایت سپیدی و بین دو دندان ثنایایش
قدری فاصله است (افرق الثنایا)
- ۷- بر طبق فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام که شیخ طوسی آن را در کتاب
الغیبة آورده سرخ و سفید است: (أبيض مشرب حمرة) (۱)
- و لکن در فرمایش منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله جزء اخبار مستفیضة
اهل تسنن است آقا این گونه توصیف شده است (اللّون لونٌ عربی)
رنگ، رنگی عربی، که علی الظاهر به گندمگون تفسیر می‌شود. (۲)
- ۸- ما بین دوشهایش قدری فاصله است. (بعید ما بین المنکبین)
- ۹- دو استخوان سر دوشهایش قوی و محکم است. (عظیم مشاش
المنکبین)
- ۱۰- سینه اش بلند و فراخ است. (واسع الصدر)
- ۱۱- شکمش بزرگ. (مبده البطن)
- ۱۲- از استخوان جناغ سینه تا نافش خطی از موی سبز وجود دارد.
- ۱۳- قامتش درشت.
- ۱۴- بر پشتش دو خال دارد خالی به رنگ پوست بدن و خالی به
رنگ دیگر. (علی ظهره شامتان) که گویا یکی از دو خال شبیه مهر نبوت
است که رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

۱۵ - رانهایش پهن. (عریض الفخذین) و در عین حال مانند ران‌های قهرمانان قدری تورفتگی دارد.

۱۶ - و دو ساق پایش باریک. (احمش الساقین)

۱۷ - مرحوم آقای شیخ عباس قمی حضرتش را متوسط القامه، میانه بالا می‌داند و می‌گوید در عین حال وقتی که در میان جمعی قرار گیرد از همه بلندتر نشان داده می‌شود اما در سخن مشهور رسول خدا ﷺ در بین اهل تسنن با عبارت: (الجسم جسم اسرائیلی).^(۱) جسم شباهت به جسم یعقوب دارد و به بلند قد و یا چاق و درشت و یا هر دو تفسیر می‌شود.

۱۸ - و جمال در نهایت زیبایی که رسول خدا ﷺ در وصفش فرموده: (المهدی طاووس اهل الجنة). مهدی ﷺ طاووس اهل بهشت است^(۲) و شخصی در عالم رؤیا از مرحوم آیه الله شیخ علی اصغر صالحی سؤال می‌کند که کدام یک از امامان از همه زیباتر است و نامبرده در پاسخ چنین می‌گوید: حضرت قائم ﷺ.

و مرحوم آقای شیخ عباس قمی در این باره گوید: در لطافت و رنگ چون گل بابونه و ارغوانی است که شب‌نم بر آن نشسته و شدت سرخیش را هوا شکسته و قدش چون شاخه بان درخت بید مشک یا ساقه ریحان (لیس بالطویل الشامخ و لا بالقصیر اللازق). نه دراز بی اندازه و نه کوتاه بر زمین چسبیده (بل مربع القامة مدور الهامة) قامتش معتدل و سر مبارکش مدور (علی خده خال کانه فتاه مسک علی رضاضة عنبر). بر

۱. همان، ص ۹۱.

۲. فردوس الأخبار، ج ۴، ص ۴۹۷.

روی راستش خالی است که پنداری ریزه مشکمی است که بر زمین عنبرین ریخته (لَهُ سَمْتُ مَا رَأَتْ الْعَيُونَ أَقْصَدَ مِنْهُ)، هیئت نیک خوشی دارد که هیچ چشمی، هیئتی به آن اعتدال و تناسب ندیده. صلی الله علیه و علی آبائه الطاهرین (۱).

۱۹- و از بعض روایات چنین بر می آید که امام زمان علیه السلام سایه ندارد بلکه در این امر همه امامان شریکند: (و لا یكون له ظلُّ). (۲)

۲۰- پنجه‌های آن حضرت قوی و درشت است.

بعضی کف دست آن حضرت را مانند حریر نرم می‌دانند و لکن گویا آن را مرحوم محدث نوری (ره) نمی‌پسندد.

ب) علائم صفاتی

مراد ما از علائم صفاتی آن ویژگی‌هایی است که با تأمل و دقت و یا پس از گذشت مدت زمانی شناخته می‌شود و بعض از آنها بدین قرارند:

۱- امام علیه السلام دارای وقار و سکینه‌اند: (بالوقار و السکینه)

۲- حلیم و بردبارند. (وذوالعلم الذی لا یصبو) و صاحب حلمی که سبکسری ندارد.

۳- و همه مردم به او نیازمندند و او به کسی نیاز ندارد. (و باحتیاج الناس الیه و لا یحتاج الی الناس)

۴- عارف به حلال و حرام خداست. (و بمعرفة الحلال و الحرام).

۱. منتهی الآمال طبع آخوندی، ج ۲، ص ۴۲۷ و ۴۲۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۵- و باگذشت شبها و روزها، پیر و فرتوت، زمین‌گیر و افتاده نشود:

(و ان لا یهرم بمرور اللیالی و الایام)^(۱)

۶- و همیشه در قیافه جوانی باقی می‌ماند و گرچه سن پیران را دارد:

(ان یکون شیخ السن شاب المنظر).

۷- و دارای آنچنان قوتی است که اگر دستش را به طرف بزرگترین

درخت در زمین دراز کند آن را از جای برکند و اگر بین کوهها بانگ زند

هر آینه صخره‌ها، سنگهای سختش ریزش شود.^(۲)

ج (علائم قرآنی

این را درباره ائمه معصومین علیهم‌السلام باید بدانیم که اگر نگوییم این عزیزان همه حرکات و سکنااتشان رمز دار و معنی دار و با ما سخن می‌گویند، لکن بسیاری از امورشان اینچنین است و خصوصاً این امر در امام غایب ما حضرت حجت صلوات الله علیه در لحظه ظهورش بیشتر صدق می‌کند و به همین جهت امام زمان علیه‌السلام با انتخاب اشیاء، انتخاب مکان، انتخاب سخن و نحوه راه رفتن، در حال القاء حقایق و معانی به مخاطب خویش است. از آن جمله:

(۱) ﴿عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾ .

و بر آن تل‌های عظیم شنی و یا بر آن بُرجها، مردانی وجود دارند که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶.

هر کسی را به سیمایش می شناسند. (۱)

حال مادر روایات اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین می بینیم که صاحب اعراف و یا مردان قرار گرفته بر اعراف این انوار پاک و مطهرند. به این روایات بنگرید:

(۲) قال الصادق علیه السلام: کلّ امة يحاسبها امام زمانها ويعرف الائمة اولياءهم وأعدائهم بسماهم، فيعطوا أوليائهم كتابهم بيمينهم فيمروا الى الجنة بلا حساب و يعطوا اعدائهم كتابهم بشمالهم فيمروا الى النار بلا حساب.

هر امتی امام زمانش به حسابش رسیدگی می کند و امامان، اولیاء و دوستان (یاران و پیروانشان) و دشمنانشان را به سیمایشان می شناسند و آن سخن اوست: و بر آن تلهای عظیم مردان و دشمنانشان را به سیمایشان می شناسند (پایان ترجمه آیه) پس به اولیاءشان نامه شان را به دست راستشان دهند، پس به سوی بهشت بدون حساب روانه گردند و به دشمنانشان کتابشان را به دست چپشان دهند، پس بدون حساب به سوی جهنم حرکت کنند. (۲)

(۳) امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن یک خطبه می فرماید: و نحن اصحاب الاعراف انا و عمی و اخی و ابن عمی و الله فائق الحبّ و النوى لا يلج النار لنا محبّ و لا يدخل الجنة لنا مبغض لقول الله عزّ و جل: و على الاعراف رجالٌ يعرفون كلاً بسماهم.

و ما اصحاب اعرافیم، من و عمویم (یعنی حمزه سید الشهداء) و برادرم

۱. سورة اعراف، آیه ۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۸.

(یعنی جعفر طیّار) و پسر عمویم (یعنی عبیده بن حارث شهید جنگ بدر) و قسم به آن خدایی که شکافنده دانه و هسته است داخل آتش نشود آنکه تنها ما را دوست دارد و داخل بهشت نشود آن که ما را دشمن بدارد به جهت سخن خدای عزّ و جل [آنگاه آیه فوق الذکر را تلاوت کردند].^(۱)

(۴) در تفسیر عیاشی به سندش از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که فرمود: انا یعسوب المؤمنین و انا اول السابقین و خلیفة رسول رب العالمین و انا قسیم الجنة و النار و انا صاحب الاعراف. (من پیشوای مؤمنینم، من نخستین پیشتازم، جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، من قسمت کننده بهشت و دوزخم و منم صاحب اعراف).^(۲)

(۵) ذاذان شاعر و حافظ قرآن زمان امیر المؤمنین علیه السلام از سلمان نقل می‌کند که از رسول خدا بیش از ده مرتبه شنیدم که می‌فرمود: یا علی اناک و الأوصیاء من بعدک أعراف بین الجنة و النار و لا یدخل الجنة الا من عرفکم و عرفتموه و لا یدخل النار الا من أنکرتموه.

ای علی، همانا تو و جانشینان بعد از تو اعراف بین بهشت و دوزخید و داخل بهشت نمی‌شود مگر آن کس که شما را شناسد و شما نیز او را شناسید و داخل آتش نمی‌گردد مگر کسی که حق شما را نشناسد و آن را منکر شود و شما نیز بگویید ما این شخص را به عنوان شیعه خویش نمی‌شناسیم.^(۳)

۱. معانی الأخبار، ص ۵۹.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۱۴۸.

حال گویی امام علی علیه السلام این نوع تجلی در دنیا داشته، مثل تجلی امام جواد علیه السلام در سن کودکی بر ابی یزید بسطامی در غوطه دمشق که امام را بر روی تلی شنی می یابد و چون او را کودک می بیند پیش خود می گوید این کودک است که بر او سلام کنم، سلام مرا نشناسد و اگر سلام را رها کنم اخلال به واجب کرده ام، سپس عزم خویش را جزم کردم که بر او سلام کنم پس بر او سلام کردم و او در برابر سر بلند کرد و گفت:

«و الذی رفع السماء و بسط الأرض لولا ما أمر الله به من ردّ السلام لما رددت عليك، إستصغرت أمری و استحقرتنی لصغر سنّی، عليك السلام و رحمة الله و برکاته و تحیاته و رضوانه...».

قسم به آن خدایی که آسمان را بر افراشت و زمین را بگسترانید اگر خدا امر به ردّ سلام نکرده بود پاسخ سلام تو را نمی دادم، آیا امر مرا کوچک دانستی و مرا تحقیر کردی چون خردسالم؟ بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش و تحیات و رضوانش... (۱)

که قرار گرفتن امام علیه السلام بر آن تل شنی فهماننده این معنی بود که من صاحب اعرافم و تو را ای بایزید با سیمایت می شناسم همانگونه که از پاسخ سلام و بقیه فرمایش امام این امر به خوبی واضح و آشکار است و چه بسا امام زمان نیز به این حالت بر عاشقش تجلی کند و اکنون سایر موارد.

(۶) از دیگر اسامی قرآنی آن حضرت آسمان است در اشاره به آیه قرآن: «... ﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ و در هر آسمانی امر

خویش را وحی فرمود. (۱)

(۷) هادی و راهنما: ﴿ وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ ... ﴾ (۲) و ما آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند. امام تنها بر اهل زمین، خیر و آیه مطلق است. شیخ صدوق رحمته الله در تفسیر آیه مبارکه ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾ از حضرت باقر العلوم رحمته الله نقل می‌کند که فرمود: غیر از این عالمی که می‌بیند دوازده هزار عالم وجود دارد و من حجت بر همه آنان هستم. (۳)

حال می‌بینیم آقای شیخ اسماعیل نمازی در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی با جمعی از همراهانش در راه بازگشت از سفر مکه وقتی که راه را گم کرده و حدود دو روز در بیابانهای مکه سرگردان بودند و در نهایت شیخ اسماعیل از رفقاء فاصله گرفته و به حضرت ولی عصر (عج) با تمام وجود ملتجی شده که یا فارس الحجاز ادرکنی ...، ناگهان در چند قدمی خویش عربی را می‌بیند که به صورت خلق الساعه ظاهر گشته و مهار هفت شتر در دست دارد و این گویا بدین معنی است که من امام بر هفت آسمانم. (۴) راهنما و قائد اهل هفت آسمانم. زیرا در لغت عربی جلودار شتر و یا هر مرکب سواری را قائد گویند.

(۸) آن‌گاه که خلیفه عباسی رشیق آزدان و رئیس گارد حفاظت ویژه

۱. سوره فصلت، آیه ۱۲.

۲. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۷۳.

۳. خصال شیخ صدوق، ص ۶۳۹.

۴. که انشاء الله در گفتار دیگر پیرامون علامات امام زمان در آغاز به امری شبیه امر فوق‌الذکر

خویش را به همراهی دو نفر اعزام می‌کند که حضرت بقیة الله روحی له الفداء را دستگیر نمایند و از راه پله‌های سرداب مقدس محل زندگی امام زمان در منزل پدری خویش پایین می‌روند ناگهان با دو امر عجیب روبرو می‌شوند. آب تمامی کف سرداب را گرفته و در گوشه‌ای بر روی آب حصیری و مولایمان بر روی حصیر ایستاده مشغول نمازند..... به راستی این وضعیت نماد چه بود؟ آیا تاکنون با این آیه سوره هود روبرو شده‌اید:

﴿... وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ ...﴾^(۱)

عرش خدا بر روی آب بود.

و آیا تاکنون بدین آیه قرآنی اندیشه نموده‌ای:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾.

خدای رحمن بر عرش قلب پیغمبر و یا جانشین او استیلا دارد و چیره است.

که این عرش خدا، امام و حجت خداست که بر روی آب قرار گرفته است و خدا او را در حفظ و قدرت خویش دارد و شما بر او قدرت ندارید. پس این آب و حصیر و استیلای امام بر آن دو، نشانه امامت آن حضرت و در حفظ بودن آن آقا است که در این جریان رشیق با اینکه در دو دستور متوالی به دو مأمورش اقدام به دستگیری امام می‌کند تنها نتیجه اش نزدیک شدن آن دو بر غرقاب بود و لا غیر.

د) علائم ملکوتی

علائمی که برای هر کس آشکار نشود، تنها بر آنان که چشم برزخیشان باز است و یا در لحظه ملاقات به او اجازه گشوده شدن چشم عطا شود از جمله حدیث نورانی امام رضا علیه السلام:

عليه جيوب النور تتوقد بشعاع ضياء القدس

بر تن او گریبانهایی از نور است که به آن پرتو نور قدسی نور افشانی می‌کنند (یا این گریبانها شعله ورنند به آن پرتوهای نور قدسی حضرت).^(۱) و گویا در بعض روایات علیه جلابیب النور دارد، بر تن آقا جلاباب‌هایی، لباسهایی به بلندای قامت امام زمان علیه السلام از نور است^(۲) به راستی این نورها چیست؟

آیا می‌تواند همان نورهایی باشد که در بخش نخست دعای بعد از زیارت آل یس می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ
وَكَلِمَةَ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ
الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّيَّاتِ وَعِزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي
نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ
عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ...^(۳)

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۲. همان، ص ۱۰۹.

۳. فرازی از دعای بعد از زیارت آل یس. [الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴].

خدایا از تو در خواست می‌کنم که بر محمد، پیغمبر رحمت و کلمه نورت درود فرستی و اینکه قلب مرا از نور یقین و سینه مرا از نور ایمان و فکر مرا از نور نیات، خالص، و عزم و اراده مرا از نور علم و نیرویم را از نور عمل صالح، و زبان مرا از نور راستی و دین مرا از نور بینایی‌ها^(۱) از نزد خودت و دیده مرا نور پر تو دانش - از نزدت - و گوش مرا از نور - شنیدن - حکمت و دوستی و قلب مرا از نور ولایت کامله محمد و خاندانش که بر آنها درود باد، پر کن تا تو را در حالی ملاقات کنم که به عهد خودت و پیمانت وفا نموده باشم. ای صاحب اختیار و ای ستوده!

البته این نورها در وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به نحو تام و کاملترینش وجود دارد چون این عزیزان باذن الله سرچشمه همه خوبیها و همه انوارند و لکن این تمام نور آقا نیست. زیرا:

۱- حضرت ولی عصر (عج) نور الله‌اند؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ. ^(۲)

سلام بر تو ای نور خدا که خاموش نگردد.

و چون نور الله‌اند سایر انوار شکسته و تجزیه شده همان نور اولند همانند نور خورشید که به وسیله منشور تجزیه گردد. و این نورها در درون خود حجاب برای یکدیگرند همانگونه که هر

۱. که از نزد خودت بینایی کامل در امر دین و بالتبع دنیای خویش نیز داشته باشیم.

۲. مفاتیح الجنان یکی از زیارات آن حضرت. [مصباح الزائر، ص ۴۳۷].

لباس رویین برای لباس زیرین حجاب است. و چون تو او را در لباسی از نور ببینی خیال می‌کنی که امام را با همه نورهایش دیده‌ای. خیر این نور پوشاننده و مخفی کننده نورهای دیگر و یا پرتوی از آن نور نخستین است.

مرحوم شیخ حسین آل رحیم وقتی که امام زمان (عج) را در مسجد کوفه می‌شناسد ناگهان نور، حضرت را احاطه می‌کند و دیگر امام را نمی‌بیند^(۱) و مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی آملی چون در حالت اعتکاف امام را با نور مشاهده می‌کند ضربان قلبش بالا رود.

در اینجا این دو نفر به یک اندازه نور را مشاهده نمی‌کنند همانگونه که درجات معرفت و خلوص این دو نیز یکسان نیست.

۲- حضرت، وارث نور تجلی یافته حضرت زهرا علیها السلام بر اهل مدینه‌اند که به فرموده امام صادق علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام و بنیها بر اهل مدینه هر روز با سه نور در سه وقت صبح، ظهر، شب به ترتیب با نور سفید، زرد و قرمز تجلی می‌کرد، که در نهایت سخن نسبتاً مفصلشان فرموده‌اند:

فَهُوَ يَتَقَلَّبُ فِي وَجُوهِنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ فِي الْأَيَّامِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِمَاماً بَعْدَ إِمَامٍ.

پس این نور در صورت ما تا روز قیامت جابه جا می‌شود در امامان از ما اهل بیت امامی بعد از امامی.^(۲)

پس امام زمان علیه السلام در هر کجا نماز صبح گزارند نوری سفید از امام

۱. العبقري الحسان، ج ۶، ص ۵۸۱.

۲. علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۸۱.

پرتو افکند و در وقت نماز ظهر نوری زرد و در وقت نماز مغرب نوری قرمز.
۳- حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سراج اهل الجنة اند یعنی به فرموده
جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله چراغ اهل بهشتند و حضرت مهدی علیه السلام وارث
ایشان و پیامبر اکرم مقدم بر همه خوبان سراج منیر (چراغ نور دهنده) اند و
حضرت نیز آخرین وارث، پس او نیز سراج منیر و سراج اهل جنت است.

از دیگر علامت‌های ملکوتی :

۴- عطر ویژه آن حضرت است که عطر گل نرگس بهشتی را دارند و
گاه فرد، تنها این عطر را استشمام می‌کند بدون اینکه آقا را ببیند و چون
ملائکه خادمان آن حضرتند و در ملکوت او را احاطه کرده‌اند همانگونه که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شب معراج آقا را اینگونه دیدند و فرمودند :

نَظَرْتُ إِلَى مَلَائِكَةٍ قَدْ حَفَّوْا بِهِ لَا يُحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ.

نظر افکندم به فرشتگان که او را احاطه کرده بودند که جز
خدای با جلالت و عزت کسی عدد آنها را شمارش نکند و
ملائکه از هر سو آقا را احاطه کرده‌اند. (۱)

چه بسا انسان بوی عطر ملائکه را احساس کند که البته احساس
چنین بویی به معنای حضور حتمی امام زمان علیه السلام نیست.

۵- نیز صدای مبارکش که گاه از شش جهت شنیده شود که در این
امر جبرئیل با امام زمان علیه السلام شریک است.

ه) علائم جبروتی :

مرادمان از این علامت، ادراک ارتباط غیبی امام علیه السلام با سرچشمه عالم، حضرت حق جل و علاست و یا ادراک تجلیات هدایتی امام بر دلهاست. چون امام به اذن الله هادی نفوس و هدایتگر اعمال و نفس مبارکش همانند منشوریست که اعمال عباد را تجزیه کند و هر کدام را به جایگاه خویش فرستاده و صاحب لیلۃ القدر است و اینکه کشف این علائم چرا و چگونه و آیا برای ما ممکن است؟ همه از حیطة فکر بنده خارج، بلکه امام زمان علیه السلام در اینجا جا دارد که به خصوص به این بنده پریشان دل سرگشته و حیران او بگوید:

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست

عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

علامت اسمی

در داستان بانوی آملی که در امامزاده ابراهیم شهر آمل حضور حضرت می‌رسد وقتی که می‌پرسد شما کیستید و اهل کجایید؟ می‌فرمایند: اسم من عبد الحمید است و در اینجا غریبم که این بانو پیش خود می‌گوید: نکند آقا امام زمان باشند و نگاه به چهره آقا می‌افکند که بدنش از هیبت آقا به لرزه می‌افتد و می‌بیند خالی بر گونه راست همانند ریزه مشکی بر صفحه‌ای نقره دارند. (۱)

براستی عبد الحمید یعنی چه؟

در پاسخ، گویا امام می خواهند بفرمایند: من در مقام حمدم یعنی بنده خدای ستوده ام بنده این مقامم و در ثانی گویا به نام اصلی خویش اشاره کردند که قال رسول الله: اسم المهدي محمد (نام مهدی محمد است) زیرا محمد نیز برگرفته شده از اسم خدای حمید و محمود است.

حضرت ولی عصر (عج)، آیات، علامات و نشانه‌هایی دیگری نیز در وقت ظهور به همراه دارند که این دسته از آیات و علائم اثبات کننده هویت حضرتند، یعنی اینکه آقا خودش خودش است، و مبین و بیانگر خط مشی و راه روشن آن امام مبین و کشف حصین است.

اینک از همان لحظه زیبای ظهور و یا اندکی قبل از آن آغاز می‌کنیم: از امیر مؤمنان و نیز امام صادقان یعنی ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام:

و الله كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ دَخَلَ مَكَّةَ وَ عَلَيْهِ بَرْدَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ صَفْرَاءُ وَ فِي رِجْلَيْهِ نَعْلَا رَسُولِ اللَّهِ
الْمَخْصُوفَةُ وَ فِي يَدِهِ هِرَاوَةٌ^(۱) يَسُوقُ بَيْنَ يَدَيْهِ عِنَازًا
عِجَافًا حَتَّى يَصِلَ بِهَا نَحْوَ الْبَيْتِ لَيْسَ ثُمَّ أَحَدٌ يَعْرِفُهُ.

به خدا قسم که گویا به او دارم نظر می‌افکنم که داخل مکه گشته و در حالی که بر تن، پیراهن رسول خدا، برد یمانش، می‌باشد و بر سرش عمامه‌ای زرد رنگ دارد و نعل رسول خدا را که از حصف خرماست برپا دارد و نیزه رسول خدا را نیز به دست.

و در آن حالت بزغاله‌هایی لاغر پیشاپیش خویش حرکت می‌دهد تا با آنها به کنار خانه خدا می‌رسد و در آنجا کسی نیست که او را بشناسد. (۱)

به راستی امام زمان علیه السلام از کدامین راه اینگونه به مسجد الحرام می‌رسد؟ از عقبه (گردنه) ذی طوی راه مخصوص شامیین برای ورود به مکه. که در دعای ندبه از این نقطه مقدس نام می‌بریم:

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَىٰ بِلِأَيِّ أَرْضٍ تُقَلِّكُ أَوْ
تُرِي أَرْضِي أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوًى.

(ای فرزند عزیز یاسین و ذاریات و ای فرزند سوره طه و عادیات و ...) ای کاش می‌دانستم که دوری شما، شما را به کجا کشانیده و کجا را قرارگاه شما گردانیده، بلکه کدامین زمین شما را در خود جای داده؟ آیا در عبادتگاه ویژه خودت در رضوایی یا در غیر آن و یا در ذی طوایی؟

چرا ذی طوی؟ آیا آن نیز از عبادتگاههای اوست و یا اشارتی زیبا به ساعت مبارک ظهور دارد که یابن الحسن آیا به این حدّ به ظهورت نزدیکیم که خود را در ذی طوی می‌یابی. چرا بزغاله‌ها در پیش رو دارد؟ آیا اشارت به این دارد که همانند شعیب و موسی و ... نیز محمد صلی الله علیه و آله روزگاری به شبانی گذرانیدند. امام زمان (عج) ما نیز لا اقل در بُرّه‌ای از عصر غیبت به شبانی می‌پردازند؟! و یا اشاره دارد که

تعداد یارانش برای ظهور کامل گشته که حضرت جواد علیه السلام امر ظهور را موکول بر اجتماع سیصد و سیزده نفر یار در نزد او می‌کنند و امام صادق علیه السلام به آن صحابی خویش فرمودند: اگر به تعداد این بزغاله‌ها یاور داشته‌م قیام می‌کردم و یا اشارت به آسانی کار ظهور و غلبه بر جهان را دارند چون خلیفه‌ خدایند: ﴿ مَا خَلَقَكُمْ وَ لَا يَبْعَثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةً ﴾؛ نیست آفریدن شما و نه زنده کردنتان مگر مانند آفریدن و زنده کردن یک نفس. ^(۱) شما بندگان خدا بدانید که برای من تسخیر زمین و اهلس همانند اداره این چند بزغاله بسی آسان است، مگر در فرمایش جدم امام هشتم (صلوات الله علیه) نداشتید:

لو مديده الى اعظم شجرة في الأرض لقلعها و لو صاح
بين الجبال لتدكدكت صخورها.

اگر دست خویش را به سوی بزرگترین درخت در روی زمین
دراز کند آن را از جای برگند و اگر بین کوهها بانگ زند
صخره‌ها (سنگهای سختش) ریز ریز گردد. ^(۲)

باز به پای سخن اولیاء الله در توصیف هیئت نیکوی امام علیه السلام در آن
ساعت مبارک می‌نشینیم:

رأيته مرطاً مخملة سوداء، مربعة فيها جمم ^(۳) لم تنشر

۱. سوره لقمان، آیه ۲۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳. جمم: توده انبوه از هر چیزی، سینه، در زبان عربی گفته می‌شود: «هو رجب الجمم» یعنی او گشاده سینه و فراخ حوصله است.

منذ توفى رسول الله ﷺ و لا تنشر حتى يخرج المهدي .
 يمده الله بثلاثة آلاف من الملائكة يضربون وجوه أعدائه
 و أدبارهم .^(۱)

پرچم او مخمل مشکی چهارگوش کرک داری است که
 درازی آن کمی بیشتر از پهنای آن است، این پرچم از روز
 وفات پیامبر ﷺ باز نشده و باز نخواهد شد تا روزی که
 مهدی ﷺ خروج کند^(۲) خدا او را به سه هزار نفر از فرشتگان
 یاری دهد که آنان بر چهره دشمنانش و پشتشان زنند.^(۳)

حال که امام ﷺ با این حالت ظاهر شود باید سخن خویش را با
 بندگان خدا آغاز کند. در اینجا می بینیم که امام باقر ﷺ اینچنین به
 توصیف این واقعه بزرگ می پردازند:

يظهر القائم بمكة عند صلاة العشاء معه علامات و نور
 و بيان .

۱. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۶۲.

۲. در جمله یخرج دو احتمال وجود دارد: احتمال اول تا حضرت مهدی از غیبت بیرون آید
 یعنی ظاهر شود که آقای مهدی پور در اینجا خروج را به معنای ظهور گرفته اند. احتمال
 دوم: یعنی تا وقتی که قیام کند، خروج به معنای قیام باشد.

۳. دوست عزیز این فرمایش مولا برگرفته از سخن زیبای خدای بزرگ است: «ولو تری اذ
 يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم و ادبارهم . و اگر تو ببینی که فرشتگان
 چگونه روح کفار را دریافت می کنند که آنان به صورتها و پشتهاشان می زنند». با چه
 چیزی؟ خدای بزرگ مبهم گذاشته. پس با توجه به این فرمایش پروردگار اینچنین از کلام
 مولا به دست می آید: «العلم عند الله، که این دسته از ملائکه ملازم رکاب امام زمان ﷺ
 مأمور میراندن کفارند. و الحمد لله.

قائم علیه السلام در مکه در وقت نماز عشاء آشکار شود در حالی که با او علامات و نور و بیان است.

آنگاه گوید:

اذکرکم الله و مقامکم بین یدیه

شما را به یاد خدا و آن لحظه‌ای که در برابر خدا برای حساب خواهید ایستاد می‌آورم.

و آن شب مبارک صیحه، بانگ آسمانی آشکار شود و منادی به اسم قائم علیه السلام و به نام پدرش مردم را ندا کند و فردا روز:

و يُصْبِحُ النَّاسُ فِي مَكَّةَ فَيَقُولُونَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ الَّذِي
بِجَانِبِ الْكَعْبَةِ وَ مَا هَذَا الْخَلْقِ الَّذِي مَعَهُ، هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي
رَأَيْنَاهَا اللَّيْلَةَ وَ لَمْ نَرِ مِثْلَهَا، فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ هَذَا
صَاحِبُ الْعَنِيزَاتِ.

و مردم مکه صبح کنند. پس گویند کیست این مردی که در کنار کعبه است و این جماعتی که با او هستند کیانند؟ این نشانه‌ایست که آن را در این شب دیدیم. (۱) که ما تا کنون به مانند این نشانه ندیده بودیم. پس بعضی به بعضی گویند: این آقا صاحب همان بزغاله‌هاست، که دیروز وارد مسجد الحرام شد. (۲)

۱. اشاره به صیحه آسمانی و یا ظاهر شدن عمودی سبز از بالای خانه کعبه تا افق آسمان.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸.

حضرت و نشانه‌ای از رسول خدا ﷺ در جنگ احد

ما می‌دانیم جنگ احد برای رسول خدا ﷺ و یارانش سخت تمام شد زیرا اسد الله و اسد رسوله جوانمرد بزرگ، حضرت حمزه رضی الله عنه با بیش از هفتاد نفر شهید گشتند و رسول خدا و امیر مؤمنان هر دو زخم برداشتند. حال خدای بزرگ به رسولش در برابر جنگ احد در همین دنیا علاوه بر پاداش آخرت پاسخ گفته. چگونه؟

﴿ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمِّ ﴾

خدا به شما غمی را در برابر غمی پاداش داد. ^(۱) آیا هیچ امری به سنگینی مجروح شدن خود رسول خداست؟! این است که امام مهدی عجل الله فرجه آن برده‌ای که رسول خدا ﷺ در جنگ احد بر تن داشته زیور خویش و مفخر اندام خود می‌گرداند:

ينشر راية رسول الله السوداء فيسير الرعب قدامها شهراً
و عن يمينها شهراً و عن يسارها شهراً و يكون عليه
قميص رسول الله ﷺ الذي كان يرتديه في احد و درعه
السّابغة و على رأسه عمامة رسول الله ﷺ السّحاب و
بيده سيفه ذو الفقار، يجرّده ثمانية اشهر

امام صادق رضی الله عنه فرمود:

پرچم رسول خدا ﷺ را که سیاه است باز می‌گرداند. پس

خدا پیشاپیش آقا و در دو سوی راست و چپش تا فاصله یک ماه همانگونه که امام پیش می‌رود ترس بر دشمنانش مسلط می‌کند و آن در حالی است که بر تنش پیراهن رسول خداست که در اُحد آن را پوشیده بود و زره سابقه پیامبر را بر تن دارد و عمامه پیامبر را بر سر می‌گذارد که سحاب نام دارد و در دستش شمشیرش، یعنی همان ذوالفقار^(۱) هشت ماه آن را برهنه می‌کند تا دیگر شکی باقی نماند و مردم دنیا به خوبی او را بشناسند.^(۲)

در یک حرکت بر پشت اسبی ابلق در پشت کوفه یعنی نجف سوار شود در حالی که زره رسول خدا ﷺ را بر تن دارد و آن را با پارچه‌ای ابریشمین که به آن استبرق گویند بپوشاند و چون اسب خویش را به حرکت و جولان آورد: لا یبقی اهل بلد الا و هم یرون انه معهم فی بلادهم.^(۳)

اهل هیچ سرزمینی، شهری باقی نمی‌مانند مگر اینکه می‌بینند که همانا با آنها در بلاد آنهاست مثلاً ساکنین شهر کرمان امام زمان علیه السلام را در میان خودشان و با خودشان می‌بینند.

و راستی چقدر این منظره نیکوست ...

﴿ یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ ... ﴾^(۴)

۱. و این معنی در عده‌ای از روایات از جمله فرمایش زین آسمانها و زمین، اکرم المستشهدین حضرت سید الشهداء (ع) می‌یابیم: « یضع سیفه علی عاتقه ثمانیة اشهر ». شمشیرش را هشت ماه بر دوشش می‌گذارد.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.

۳. القطره، ج ۱، ص ۲۹۶.

۴. سوره مبارکه روم، آیات ۴ و ۵.

آن روز مؤمنین به یاری خدا شاد گردند.

یار عزیز و ای همسفر این وادی بنگر چه شعفی و شوقی در روان
مردمی به وجود می آید که در همان لحظه ای که ستمگران آنها را احاطه
کرده اند ناگهان یوسف فاطمه علیها السلام را در بین خود می یابند.

اینجاست که باید سرودشان را سردهیم و عرضه بداریم:

طلع البدر علینا	من ثنیات الوداع
وجب الشکر علینا	ما دعا الله داع
ایها المبعوث فینا	جئت بالامر المطاع

ماه شب چهارده بر ما از تپه های خدا حافظی طلوع کرد. (۱)

شکر خدا بر ما واجب گشت مادامی که دعاکننده ای خدا را می خواند.

ای عزیزی که در بین ما بر انگیخته شده ای آمده ای با فرمانی که

اطاعت آن بر همه ما واجب است. (۲)

مهدی علیه السلام ابری آسمانی بر سر دارد

حاکم قندوزی در ینابیع الموده از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

یخرج المهدی و علی رأسه غمامة ملک ینادی فیها هذا

۱. «ثنیة الوداع» نام یکی از تپه های مدینه منوره است که مسافرین را از آنجا بدرقه می کردند

و لذا به «ثنیة الوداع» یعنی «تپه خداحافظی نامیده شده است. [معجم البلدان، ج ۲،

ص ۸۶] ولی ابن منظور آن را یکی از وادی های مکه معظمه دانسته است [لسان العرب،

ج ۱۵، ص ۲۵۴]. «م»

۲. این سرود را دختران بنی نجار به هنگام ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه منوره خواندند. «م»

المهدی خلیفة الله فاتبعوه .

یعنی مهدی علیه السلام قیام می‌کند و یا بر مردم نمایان می‌گردد در حالی که بر سرش ابری است در آن ابر فرشته‌ای ندا می‌کند: این مهدی جانشین خداست از او پیروی کنید. (۱)

و بعضی دیگر از علمای اهل تسنن آخر این حدیث را بدینصورت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند:

إن هذا مهدی فاتبعوه .

این مهدی است از او پیروی کنید. (۲)

فرود ناگهانی با عظمتی مبهوت کننده

در چه لحظه‌ای یا برهه‌ای نمی‌دانیم، اما در هر وقتی که هست با خود بیّنات دارد، صولت و قدرت دارد که گویا خدای بزرگ فرود می‌آید، به این آیه و تأویل و یا تفسیرش بنگرید:

﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ
الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴾ (۳)

آیا انتظار می‌کشند جز اینکه خدا در سایه‌هایی، یا سایبانهایی، از ابرها با ملائکه بر آنان فرود آید و امر بریده گردد و تنها به سوی خدا باز گردانیده می‌شوید.

۱. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۹۶.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۲.

۳. سورة مبارکه بقره، آیه ۲۱۰.

امام باقر علیه السلام اینگونه این آیه شریفه را توضیح داده‌اند :

ينزل في سبع قباب من النور لا يعلم في ايها هو حين
ينزل في ظهر الكوفة فهذا حين ينزل. (۱)

یعنی فرود می‌آید در هفت قبه (گنبد) از نور، فرود می‌آید که دانسته نمی‌شود در کدام یک از این قبه‌ها در پشت کوفه (یعنی نجف) فرود می‌آید.

پس در این وقت فرود آمدن اوست و نیز این فرود در این هفت قبه گویا اشاره به امامت آن حضرت بر اهل هفت آسمان دارد تنها امام بر اهل زمین نیست خلیفه مطلق پروردگار است و تماشاگر هستی، همانگونه که در یکی از زیارات آن حضرت می‌خوانیم:

السلام عليك يا ناظر شجرة طوبى و سدرة المنتهى.

درود بر تو ای نظاره‌گر درخت طوبی و نیز سدره المنتهى. (۲)

تکمیل این گفتار

سید بن طاووس رضی الله عنه در کتاب اقبال الاعمال از مصباح المتعجد جدش شیخ الطایفه ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی رحمته الله نقل می‌کند که فرمود: محمد بن ابی روّاد روّاسی ذکر می‌کند که با محمد بن جعفر دهان به سوی مسجد سهله در روزی از روزهای ماه رجب

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. مزار شهید، ص ۲۲۶.

حرکت کردند پس گفت: بیا برویم به مسجد صعصعه^(۱) پس آن مسجد مبارکی است و امیر المؤمنین علیه السلام در آن نماز گذاشته و حجّاج در آن قدم گذاشته پس میل ما به آن نشد پس ما در همان حالتی که نماز می گذاشتیم مردی از ناقه اش^(۲) فرود آمد و آن را در زیر سایه ها به زانو بست سپس داخل مسجد گردید و دو رکعت نماز طولانی به جا آورد سپس دو دستش را بسوی آسمان دراز نمود پس عرضه داشت:

اللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُنَنِ السَّابِغَةِ وَالْإِلَاءِ الْوَاظِعَةِ وَالرَّحْمَةِ
الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنَّعْمِ الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ
الْعَظِيمَةِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ.

يَا مَنْ لَا يَنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يَمَثَلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يَغْلِبُ بِظَهِيرٍ
يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا وَأَلْهَمَ فَا نَطَقَ وَابْتَدَعَ فِشْرَعَ وَعَلَا
فَارْتَفَعَ وَقَدَّرَ فَا حَسَنًا وَصَوَّرَ فَا تَقَنَ وَاحْتَجَّ فَا بَلَغَ وَأَنْعَمَ
فَا سَبَّغَ وَأَعْطَى فَا جَزَلَ وَمَنْحَ فَا فَضَلَ.

يَا مَنْ سَمَا فِي الْعَزِّ فَفَاتِ خَوَاطِرَ الْإِبْصَارِ وَدَنَا فِي فِي
اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْإِفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا
نَدْلَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْإِلَاءِ
فَلَا ضِدْلَهُ فِي جِبْرُوتِ شَأْنِهِ.

۱. صعصعه بن صوهان از اصحاب نیک امیر المؤمنین و از معدود تشیع کنندگان جنازه امیر المؤمنین بود و او همانست که پس از دفن مولا مشتی خاک برمی دارد و بر سر می ریزد و کلمات آتشین در ریه های مولا بیان می کند. خدایش او را رحمت کند.

۲. ناقه: شتر ماده.

یا من حارت فی کبریاہ ہیبتہ دقائق لطایف الأوهام
وانحسرت دون إدراك عظمتہ خطایف أبصار الأنام یا
من عنت الوجوه لهیبتہ و خضعت الرقاب لعظمتہ و
وجلّت القلوب من خیفته.

اسئلك بهذه المدحة التي لا تنبغى الا لك و بما وأیت به
على نفسك لداعيك من المؤمنین و بما ضمنت الاجابة
فيه على نفسك للداعين یا أسمع السامعين و یا أبصر
المبصرين و یا أنظر الناظرين و یا أسرع الحاسبين و یا
أحكم الحاكمين و یا أرحم الراحمين.

صلّ على محمد خاتم النبيين و على أهل بيته الطاهرين
الأخيار و أن تقسم لي في شهرنا هذا خير ما قسمت و أن
تختم لي في قضائك خير ما حتمت و تختم لي بالسعادة
فيمن ختمت و أحييني ما أحييتني موفوراً و أمتني
مسروراً و مغفوراً و تولّ انت نجاتي من مسائلة البرزخ
وادراً عنّي منكراً و نكيراً و ارعيني مبشراً و بشيراً
واجعل لي إلى رضوانك و جنانك مصيراً و عيشاً قريراً
وملكاً كبيراً و صلّي الله على محمد و آله بكره و أصيلاً
يا أرحم الراحمين. (١)

سپس به طرف شترش حرکت کرد و بر آن سوار گشت.

ابن جعفر دهان گفت: آیا برنخیزیم و به سویش رویم پس سؤال

کنیم که این آقا کیست؟ پس به سوی او رفتیم، پس به او گفتیم: شما را به خدا قسم می‌دهیم که کیستید؟ پس فرمود: من شما دو تا را به خدا قسم می‌دهم که مرا چه کسی می‌بینید؟ ابن جعفر دهان گفت: گمان می‌کنیم که شما خضر باشید.

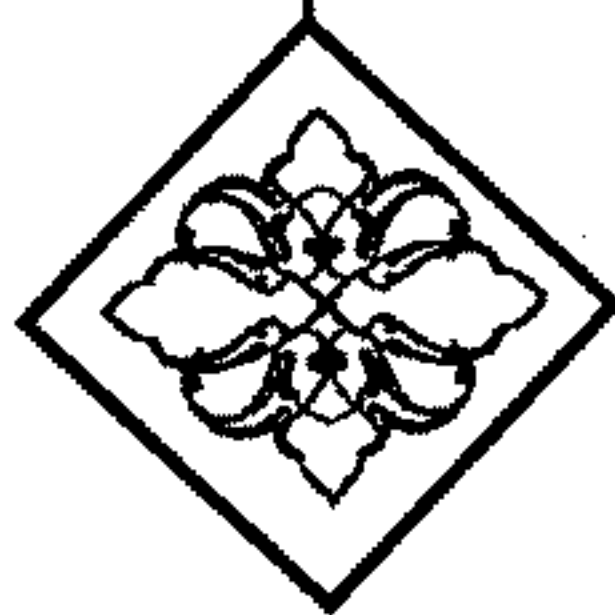
پس فرمود: و تو نیز (یعنی در خطاب به محمد بن ابی رؤاد روایی).

پس عرض کردم: گمان می‌کنم که شما او باشید.

پس فرمود: و الله انی لَمَنْ الْخَضِرُ مَفْتَقِرٌ اِلٰی رُوَيْتِهٖ اَنْصَرَفَا فَاَنَا اِمَامُ زَمَانِكَمَا.

به خدا قسم همانا من کسی هستم که خضر نیازمند به دیدار اوست

به راه خویش روید که من امام زمان شمایم. (۱)



گفتار چہارہ

امام مبین

یکی از القاب مبارک امام زمان امام مبین است.

قال الله تعالى: ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * طسم * تِلْكَ آيَاتُ
الْكِتَابِ الْمُبِينِ * تَتْلُوا عَلَيْهِمْ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
* إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ
يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ آيَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ *
وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا
كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾ (۱).

« طاسین مبین ». آن نشانه‌های کتاب مبین است.

در یک نگاه « طسم » نشانه‌های آن کتاب مبین یعنی قرآن کریم و در نگاهی
دیگر نشانه‌های آن « امام مبین »، حضرت ولی عصر، است.

در پیش در آمد آن هنگامه بزرگ، هنگامه ظهور بر تو تلاوت می‌کنیم از خبر
موسی و فرعون به حق، که این تلاوت به حق است، برای قومی که ایمان
می‌آورند، به نفع و سود آنهاست برای اینکه آنها را فایده دهد تلاوت می‌کنیم.

همانا فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل زمین را گروه گروه و دسته دسته قرار داد. گروهی از آنان را به ضعف و زبونی کشانید. پسران آنها را سر می‌برید و زنان آنان را زنده نگه می‌داشت، یا سعی می‌کرد حیا را از زنان آنها برگیرد، همانا او از جمله تبه‌کاران بود و این در حالی است که ما اراده دائمی داریم که بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند نعمت را تمام گردانیم، و یا بر آنان منت نهیم و اراده داریم که آنان را امامان قرار دهیم و آنان را وارثان زمین گردانیم، و نیز اراده بر مکتب دادن و قدرت دادن به آنها در زمین داریم و به فرعون و هامان و سپاهیان آن دو از این مردم مستضعف نشان دهیم آنچه را که از آن پرهیز داشتند.

این آیات مبارکه یعنی از «و تُرید» به بعد گرچه در ذیل دو آیه مربوط به بیان قدرت جهنمی فرعون و هامان است، اما بیانگر یک قاعده و سنت کلی و عمومی حضرت حق جل و علاست و تنها بیانگر به امامت رسیدن عده‌ای از بنی اسرائیل به مقام امامت نیست که در سوره سجده می‌فرماید:

﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ
وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ * وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ آئِمَّةً
يُّهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِنُونَ ﴾^(۱)

و ما به تحقیق به موسی کتاب دادیم پس در شکی از لقایش مباش و آن را هدایتی برای بنی اسرائیل قرار دادیم و از بین آنان امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت^(۲) می‌کنند، آن زمان که صبر کردند و پیوسته به آیات ما یقین داشتند.

۱. سوره مبارکه سجده، آیات ۲۳ و ۲۴.

۲. جمله فعلیه «یهدون» نا «نا» صفت برای ائمه است یعنی امامانی که صفت را دارا و واجدند که پیوسته به امر ما هدایت می‌کنند که این جمله در حقیقت تعریف امام است.

نه این آیه اختصاص به بنی اسرائیل ندارد، بلکه جریان موسی و فرعون و بیانگر قاعده عمومی و نیز تصویرگر آینده زیبای بشریت است که به دست توانای حضرت مهدی علیه السلام ساخته می شود، به این سخن زیبای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که حروف طواسین این سوره مبارکه را نشانه انقضاء دوران مهجوریت و آغاز ظهور حضرت مهدی علیه السلام می دانند توجه کنید:

قد سعدنا ذری الحقایق بأقدام النبوة و الولاية و نورنا
السبع الطرایق بأعلام الفتوة فنحن لیوث الوغی و غیوث
الندى و فینا السیف و القلم فی العاجل و لواء الحمد و
العلم فی الآجل و أسباطنا حلفاء الدین و خلفاء الیقین و
مصاییح الامم و مفاتیح الکریم.

فا لکلیم الیس حلة الاصطفاء لما عهدنا منه الوفاء،
و روح القدس فی الجنان قد ذاق من حدائقنا الباکورة،
و شیعتنا الفئه الناجیه و الفرقة الزاکیة الذین صاروا لنا
ردءاً و صنواً و علی الظلمة إلباً و عوناً و ستنفجر لهم
ینابیع الحیوان بعد لظى النیران لتمام الطواویه و
الطواسین من السنین.

(آقای مستنبط در کتاب اربعین در حدیث سابع و عشرين این حدیث را به تمامه ذکر کرده و در آن بدل طواویه ذکر کرده: لتمام الم و طه و الطواسین من السنین). (۱)

ما از نردبان‌های حقایق با قدمهای نبوت و ولایت بالا رفته‌ایم، و با نشانه‌های جوانمردی هفت راه را نورانی کرده‌ایم، پس ما شیران بیشه شجاعتیم و باران‌های بخشش و در این نظام زودگذر دنیا شمشیر و قلم در دست ماست، فرمان جهاد با ماست (ما صاحب لیلۃ القدر، شب قدر اندازه‌گیری‌ها هستیم) و در آخرت نیز لواء حمد و در علم (ظهور دانشهای الهی) بین ما و وجود ماست و نوه‌های^(۱) ما هم پیمانان دین و جانشینان یقین و چراغ‌های امت‌ها و کلیدهای کرم‌اند.

پس بر تن کلیم، زیور برگزیدگان پوشیده شد وقتی که ما از او وفاء^(۲) را مشاهده کردیم و روح القدس از باغهای تازه و دست نخورده ما چشیده و شیعیان ما تنها فرقه ناجیه، نجات یافته، و دسته پاک‌ها از آلودگیها هستند که پشتیبان و یاران ما گشته‌اند و در برابر دشمنان ما پناهگاه و یاورند و بزودی سر چشمه‌های حیوان^(۳) برای آنان شکافته می‌شود. بعد از زبانه‌های آتش و تمام شدن طاها و طواسین از سالها.

۱. این قسمت از فرمایش امام حسن عسکری می‌توان اشاره به وجود فرزندان امام زمان (ع) باشند که فرزند آن حضرت اسباط حضرت امام حسن عسکری (ع) محسوب می‌شوند.
۲. دقت در فرمایش امام علیه السلام ما را لازم است که فرمودند: «فَالْکَلِیمِ الْبِسِ حَلَّةُ الْاِصْطَفَاءِ لِمَا عَهِدْنَا مِنْهُ الْوَفَاءُ». این سخن اشاره به فرمایش پروردگار جل و علا دارد که: ﴿يَا مُوسَىٰ اِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلٰی النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَيَكْلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾. (اعراف: ۱۴۴) ای موسی من تو را به رسالتها و به کلام خویش برگزیدم پس آنچه را که به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش.
۳. همان آب حیوان که بشر در آرزوی دست یافتن بر آن است.

که امام عسکری علیه السلام به روایت صاحب اربعین این حروف مقطعه طس و طسم که در آغاز سوره‌های شعراء، نمل و قصص ذکر گردیده و نیز طه را مربوط به ظهور حضرت ولی عصر (عج) می‌دانند، بعد از تمام شدن الم و طواوویه و طواسین.

و این را ما می‌دانیم که همانگونه که قرآن ظاهری دارد، باطنی نیز دارد و ظاهر نیز دو نوع است ظاهری که هر آشنای با زبان قرآن آن را می‌فهمد و ظاهری که با تدبر برای انسان آشکار می‌شود و چه بسا با افزایش تدبر، معانی دیگری نیز برای انسان آشکار می‌شود و ما نیز مکلف به تدبر در قرآنیم:

﴿ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴾ (۱)

پس چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند، که به ژرفای آن برسند، یا بلکه بر دلهایی قفل‌های ویژه خودش خورده.

حال با توجه به فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام وقتی که به سر آغاز سوره قصص بنگریم که قال الله تعالی:

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * طسم * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴾

اینچنین معنایی برایمان آشکار می‌شود که «طا و سین و میم» آنها نشانه‌های کتاب مبین یعنی حضرت حجت عجل الله تعالی له الفرج‌اند و اضافه آیات به کتاب اضافه لامیه می‌شود یعنی «طسم» نشانه‌هایی برای کتاب مبینند.

و اینکه خدای بزرگ به شرح واقعه موسی و فرعون می‌پردازد، نوید به رسول خدا و مؤمنان به حضرت است که چنین آینده بزرگی در پیش دارند و آیه مبارکه ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ ﴾ نیز تا آخر نوید به امامت رسیدن عده‌ای از مستضعفین است و نه بیان حکایت گذشته، آنگونه که زمخشری^(۱) می‌گوید. حاصل آنکه این آیه اثبات کننده امامت عده‌ای از این امت است و وقتی که این آیه را قرین آیه: ﴿ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ﴾^(۲) قرار دهیم می‌فهمیم که مردم هر عصری امام حقی دارند که خدا برایشان برگزیده و لکن آنها که در دار دنیا از شناخت این امام عاجزند در آخرت نیز نمی‌توانند به دنبالش حرکت کنند: ﴿ وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴾^(۳) و هر که در این سرا کور باشد پس او در آخرت نیز کور است.

حال اینها کیانند؟ سنت مبین آن است، اهل تسنن از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند که فرمود: من دوازده جانشین دارم به تعداد نقبای بنی اسرائیل^(۴) و آخری آنها مهدی (عج) است^(۵) و در حدیث دیگری فرمود: اول آنها علی و آخرین آنها مهدی است.^(۶)

۱. زمخشری این آیه را بیان برای حال گذشته می‌داند و توجه ندارد که خدای بزرگ قانون کلی و سنت عامش را درباره مستضعفین فی الارض بیان می‌کند.
۲. سوره اسراء، آیه ۷۱.
۳. سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۲.
۴. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۸.
۵. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲.
۶. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۲۹۱.

اما بعض روایات در خصوص این آیه مبارکه :

۱- شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان می گوید: روایت از امیرالمؤمنین (۱) از طریق صحیح به ما رسیده که فرموده :

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسْمَةَ لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا».

قسم به آن خدایی که دانه را شکافت و روان و جان را آفرید دنیا حتماً به ما توجه می کند بعد از سرکشی اش مانند توجه ماده شتر سرکش به فرزندش. (۲)

و به دنبال این سخن این آیه قرآن را تلاوت کردند: ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ ... ﴾ .

۲- و نیز نامبرده گوید: و عیاشی با سند خویش از ابی الصباح کنانی روایت کرده که گفت ابو جعفر، یعنی امام باقر (ع)، نظر کرد به امام صادق (ع)، پس فرمود:

هذا و الله من الذين قال الله تعالى: ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ ... ﴾ .

این آقا به خدا قسم از جمله کسانی است که خدا فرموده:

۱. و عین همین حدیث را در نهج البلاغه می یابید تنها با حذف عبارت: «وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ» یعنی کلام مولا در نهج البلاغه از «لتعطفن الدنيا» آغاز می شود. (کلمات قصار، رقم ۲۰۹).

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۵.

و اراده می‌کنیم که نعمت را بر کسانیکه در زمین ضعیف گشته‌اند تمام کنیم و یا بر آنان منت نهیم و آنان را امامان قرار دهیم و آنان را وارثان زمین گردانیم.

۳- و نیز گوید: سید العابدین علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

و الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا
أَهْلُ الْبَيْتِ وَ شِيعَتِهِمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا
وَ أَشْيَاعَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَ أَشْيَاعِهِ. (۱)

قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق مژده دهنده و بیم دهنده فرستاد، همانا نیکان از ما خانواده و پیروانشان به منزله موسی و پیروان او هستند و همانا دشمنان ما و پیروان آنان به منزله فرعون و پیروان او هستند. (۲)

یعنی خدا ما را در حکم موسی و دشمنان ما یعنی ائمه کفر را در حکم فرعون قرار داده سپس به ما وعده امامت و وراثت زمین عطا فرموده و اینکه قدرت را به جنود مستکبر فراعنه عصر و همان نشان دهد.

۴- و شیخ طایفه امامیه ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی در این زمینه حدیثی را از طریق عامه، یعنی اهل تسنن، با این سند نقل می‌کند: عنه «ظاهراً مراد از ضمیر، محمد بن اسحاق است» عن الحسين بن محمد القطعی عن علی بن حاتم عن محمد بن مروان عن عبید بن یحیی الثوری عن محمد بن الحسین عن ابیه عن جدّه عن علی علیه السلام فی قوله تعالی:

۱. همان.

۲. همان.

﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾

قال هم آل محمد يبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم
ويذل عدوهم.

علی علیه السلام درباره آیه ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ ... ﴾ .
فرمودند: آنان خاندان محمدند، خدا مهدی آنان را مبعوث
می گرداند بعد از سختی شدیدشان سپس آنان را عزیز
می گرداند و دشمنشان را خوار می گرداند. (۱)

امام مبین

به هنگام نزول آیه شریفه: ﴿ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴾ (۲)
ابوبکر و عمر برخاستند و عرضه داشتند:

ای رسول خدا! آیا منظور از «امام مبین» تورات است؟ فرمود:
نه. پرسیدند:

آیا مراد از آن انجیل است؟ فرمود: نه. عرض کردند:

پس منظور قرآن است؟ فرمود: نه.

در آن هنگام امیر مؤمنان علیه السلام وارد شدند، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هو هذا، إنه الإمام الذي أحصى الله تبارك وتعالى فيه
علم كل شيء؛

۱. غیبت شیخ طوسی . ص ۱۸۴ .

۲. سوره یس، آیه ۱۲ .

او همان است، او همان امامی است که خداوند منان دانش هر چیزی را در او به ودیعت نهاده است. (۱)

در پرتو این بیان رسول عالمیان عرضه می‌داریم که منظور از «المبین» در آغاز سوره قصص نیز حضرت مهدی علیه السلام است، زیرا بنابراین که «المبین» بدل برای «الکتاب» باشد و در نحو در جای خود مذکور است که بدل در حکم «مبدل منه» است، روی این ترکیب کأنه می‌توانیم بگوییم **تِلْكَ آيَاتِ الْمُبِينِ**. و هر گاه ما در اینجا برای شما اثبات کردیم که «المبین» نامی از نامهای حضرت مهدی (عج) است پس ترکیب دوم و سوم صحیح و ترکیب اول که، «المبین» و صف برای «الکتاب» باشد، در این نگاه نادرست (۲) می‌نماید.

با یک نگاه اجمالی به استعمال لفظ مبین در قرآن کریم این امر و تصدیقش به ذهن نزدیکتر می‌شود. خدای بزرگ یک جا فرموده:

﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (۳)

هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی مبین ثبت است و یا موجود است.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (۴)

۱. معانی الأخبار، ص ۹۵.

۲. بله این ترکیب در نگاه اول که مبین و صف برای الکتاب یعنی خود قرآن باشد درست است و لکن در نگاه تأملی بهره ما از این آیه بنحو دیگر شد.

۳. سوره مبارکه انعام، آیه ۵۹.

۴. سوره یس، آیه ۱۲.

ما هر چیزی را در امامی آشکار کننده به شمارش آورده‌ایم. کتابی که امام همه کتابهاست و یا امامی که خدا او را به عنوان امام نصب کرده است و فرموده:

﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾. من تو را برای مردم امام قرار می‌دهم.^(۱) اینچنین امامی آشکار کننده هر چیزی است و نیز در سوره حجر اینچنین کلامش را آغاز می‌کند:

﴿الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ الْقُرْآنِ مُبِينٍ﴾. آن نشانه‌های کتاب و قرآنی مبین است. قرآنی آشکار کننده و این را می‌دانیم پیامبر اکرم عترت طاهره‌اش (خانندان پاکش) را عدل و همتای قرآن قرار داده پس عترت و از جمله حضرت حجت به جهت مقام، همانندی برای قرآن مبین‌اند.

ورود به سرچشمه

و اکنون وارد آبشخور گشته‌ایم، می‌خواهیم ببینیم چرا به مولا یمان «مبین» گفته می‌شود. در پاسخ می‌گوییم برای اینکه به ماهیت مبین بودن مولا بیشتر پی ببریم، ببینیم به لحاظ چه معانی به خدای بزرگ مبین گفته می‌شود سپس بنگریم که کدامیک از این معانی در حق امام زمان چون مظهر اسم مبین است جاریست. اینکه می‌گوییم خدا مبین است یعنی ظاهر کننده، آشکار کننده و نیز جدا کننده است.

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۲۴.

بانوی اصفهانی گوید:

حال خدا مبین است یعنی:

۱- ظاهر کننده اشیاء از کتمِ عدم و پوشاننده لباس هستی بر آنهاست
یعنی آنها را در وجود آشکار کرده:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (۱) خدا نور آسمانها و زمین است در

یک معنی نور، همان گونه که خود بنفسه ظاهر و وسیله ظهور و آشکاری
اشیاء است، خدای بزرگ ظاهر کننده اشیاء یعنی ایجاد کننده آنهاست.

۲- ظاهر کننده اشیاء برای موجودات ذی شعور به قدری که خود

اجازه می دهد.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾. و چون حواس ما را در ادراک اشیاء

محدود قرار داده و اجازه کشف موجودات ملکوتی و جبروتی را به هر

کس نمی دهد، اینجاست که عنوان غیب و شهود برای اشیاء نسبت به ما

پیدا می شود اما خود:

﴿لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ وَأَسْمِعُ﴾ (۲).

به خدا اختصاص دارد غیب آسمانها و زمین، چقدر او بینا و چقدر

شنواست.

۳- آشکار کننده حقایق و معارف بر قلب انبیاء و اولیاء و ضمیر

ملائکه و انسان های مؤمن است.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

۱. سوره مبارکه نور، آیه ۳۵.

۲. سوره مبارکه کهف، آیه ۲۶.

فی المثل رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده‌اند :

انّ الله رفع لی الدنيا فانا انظر اليها و الی ما هو کائن فیها

الی یوم القیمة کما انظر الی کفی. (۱)

همانا خدا برای من دنیا را بر افراشت، پس همانا من نظر می‌کنم به دنیا و به آنچه که باید در دنیا رخ دهد تا روز قیامت،
آنگونه که به کف خویش نظر می‌افکنم.

۴- آشکار کننده تقدیر بندگان که آن را القاء نموده بر قلب و لیش

در شب قدر :

﴿ تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴾.

ملائکه و روح در شب قدر به اذن پروردگارشان از برای امری
پیوسته فرود می‌آیند.

۵- آشکار کننده ماهیت اشیاء و رخدادها برای بندگان خدا پس از

آنکه آن را برای و لیش آشکار کرده :

﴿ وَ لَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ

يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ يَغْفِرَ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾ (۲)

و وقتی که (گوساله بنی اسرائیل که گروهی آن را به عنوان
خدای خویش پرستش می‌کردند) در برابر آنان سقوط کرد
(و خود قدرت بلند گردانیدن آنان را و احیاء مجددش را
نداشتند و) مشاهده کردند که چقدر گمراه بودند، گفتند اگر

۱. ملاحم سید بن طاووس، ص ۲۰.

۲. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۴۹.

پروردگار ما بر ما ترحم نکند و ما را نبخشد از جمله
زیانکاران خواهیم بود.

در اینجا بنی اسرائیل پی به ماهیت گوساله بردند و فهمیدند
این گوساله نمی تواند خدای آنان باشد.

۶- آشکار کننده باطن ها در قیامت کبری :

﴿ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ * فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴾^(۱)

روزی که نهانها و یا آنچه که انسان ها در نهان نگه داشته اند
آشکار می شود پس برای انسان نیروی دفع آن و یا اینکه
کسی او را در برابر این امر یاری کند وجود ندارد.

﴿ هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ
مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴾^(۲)

در آنجا هر نفسی می یابد آنچه را که پیش فرستاده و باز
گردانیده شوند به سوی خدا که مولای حق آنان است و آنچه
را که به دروغ از نزد خویش می بافتند و آن را شریک خدا
می پنداشتند، گم و نابود می شود.

مشاهده می کنید که آنان گم گشته و یا راه انحرافی رفته و برای آنان
نتوانسته کاری بکند.

۷- خدای بزرگ در سربزنگاههایی در زندگی انسان حقیقت زندگی
یا حقیقت عمل انسان را آشکار می کند.

۱. سوره مبارکه طارق، آیه ۹ و ۱۰.

۲. سوره مبارکه یونس، آیه ۳۰.

و نیز ولایت خویش را بر بنده اش ملموس می گرداند:

﴿ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَخَسِبُهُ الظَّمَانُ
مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئاً وَ وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ
حِسَابَةً ... ﴾ (۱)

و کسانی که کافر شدند اعمال آنها مانند سرابی در دشتی یا
ریگزاری است که به آن تشنه گمان آب دارد تا آنگاه که به آن
برسد او را چیزی نیابد و خدا را نزد آن، یا نزد خویش، یابد
پس خدا به طور کامل به حساب او رسیدگی کند.

و یا در داستان آن شخص مغرور به باغ و زراعت خویش فرماید:

﴿ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ﴾

آنجا ولایت مال خدای حق است. (۲)

و اما مولای ما حضرت مهدی علیه السلام که روح ما فدایش باد در مقام
خلیفة اللهی اش آشکار کننده:

۱ - دانش مکتوم (پوشیده) در کتب الهی است همانگونه که جدش
امیر المؤمنین علیه السلام فرموده:

سلونی قبل ان تفقدونی فإنّ بین الجوانح منی علماً جمّاً
هاه هاه لا أجد من یحمّله (۳)

۱. سوره مبارکه نور، آیه ۳۹.

۲. سوره کهف، آیه ۴۴.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۱۳.

از من پیرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید، پس همانا بین
پهلوهای من علم فراوانی است آه! آه! نمی یابم کسیکه آن را
به دوش کشد.

و نیز می فرمود: اگر برایم «وساده» یعنی متکا، متکای قضاوت
گذاشته شود بین اهل تورات به تورات آنها قضاوت می کنم بین اهل
انجیل به انجیلشان و بین اهل قرآن به قرآنشان قضاوت می کنم.^(۱)
۲- دانش پوشیده در طبیعت: و تخرج له الارض افالید کبدها. و زمین
برای او، یعنی امام زمان علیه السلام پاره های جگرش را بیرون می ریزد^(۲) یعنی
در حقیقت در عصر امام زمان است که فرمایش حضرت حق:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً...﴾^(۳)

«آن خدا کسی است که برای شما هر آنچه که در زمین است آفرید.»

برای امام زمان (عج) آنچه در زمین است بیرون ریخته و آشکار
می شود، بلکه خود آشکار می کند و از جمله هیچ امر با ارزشی، پر
قیمت تر از اسراری نیست که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام به زمین سپرده،
آنگاه که به میثم فرمود:

و في النفس لبانات^(۴) إذا ضاق لها صدري

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

۳. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۹.

۴. لبانه بر وزن فعاله مانند قلامه و کناسه از لبن (شیر) به معنای شیریست که در وقت جوشش
از ظرف سر ریز می شود.

نَكَتَ الْأَرْضَ بِالْكَفِّ وَ أَبَدَيْتَ لَهَا سِرِّي
فَمَهْمَا تُنْبِتُ الْأَرْضُ فَذَاكَ الثَّبْتُ مِنْ بَذْرِي

(ترجمه) و در نفس شیرهای سرریز شده‌ای است، هرگاه برای آن سینه ام تنگی کند. زمین را با کف دست گود می‌کنم و برایش رازم را آشکار می‌کنم، پس هر زمان زمین گیاهش را بیرون ریزد پس آن گیاه از بذر من است. (۱)

۳- و اسرار مکتوم در وجود انسان، او موجودی است پر اسرار، و صاحب گنج نهان مولا علی علیه السلام درباره فلسفه بعثت انبیاء سلام الله علیهم اجمعین فرموده:

يَشِيرُوا عَلَيْهِمْ دَفَائِنَ عَقُولِهِمْ.

تا دفینه‌ها و گنجینه‌های نهان از خرده‌ایشان را بر آنها بیرون ریزند. (۲)

و این مهم به دست حضرت حجت روحی له الفداء صورت می‌گیرد. شیخ کلینی در کتاب کافی به سندش از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعُ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا
عَقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ.

هرگاه قائم ما قیام کند خدا دستش را بر سر بندگان گذارد

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه اول.

سپس با آن عقلهایشان را جمع کند و خواسته‌ها و آرزوهایشان کامل شود. (۱)

در نگاه دیگر انسان موجودی است بسیار مخفی کار، هم در پوشاندن ایمانش بسیار قوی است آنگونه که در مؤمن آل فرعون، حزقیل و در آسیه زوجه فرعون می‌بینیم، هم در پوشاندن کفر و نفاقش بسیار جدی. اما حضرت مهدی (عج) چون مأمور به باطن است با هر انسانی مطابق با باطنش عمل می‌کند و عذر باطلی هیچ عذر خواهی را که در دوران غیبت به نحو دیگر عمل کرده نمی‌پذیرد:

﴿ يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ آخْبَارِكُمْ وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ ﴾. (۲)

بگو عذر نیاورید، ما هرگز به شما ایمان نمی‌آوریم خدا به تحقیق ما را از خبرهای شما آگاهانیده و محققاً خدا و رسولش اعمال شما را می‌بینند.

و در جای دیگر از همین سوره توبه می‌فرماید:

﴿ وَ قُلْ إِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ ﴾.
و بگو عمل کنید که محققاً خدا شاهد بر عمل شماست و رسولش و کاملان در ایمان. (۳)

۱. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۹۹.

۲. سوره مبارکه توبه، آیه ۹۴.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

«المؤمنون» یعنی همانها که رسول خدا ﷺ در آن فرمایش به آنان اشاره کرده آنجا که فرموده: «المؤمن مرآة المؤمن». مؤمن آینه مؤمن است. آنگاه بنده‌ای از کمال ایمان برخوردار است که در اعمال و صفاتش، افعال و صفات خدا جلوه گر است و این انسان است که شاهد بر اعمال ماست که امام صادق علیه السلام فرمود:

وَاللَّهِ إِيَّانَا عَنِي.

به خدا قسم خدا در این آیه فقط ما را اراده کرده است. (۱)

بنابراین در وقت ظهور آن کس که در عصر غیبت راه نفاق را رفته و یا در انجام وظیفه کوتاهی کرده عذر مقبولی نزد امام زمان (عج) نمی‌تواند داشته باشد، البته امام توبه گنهکاران را می‌پذیرد، ولی این به آن معنی نیست که آنها را در سلک مؤمنان راستین به او در عصر غیبت قرار دهد.

۴- و آنچه که از حقوق و مظالم بندگان خدا مخفی و پوشانده مانده آشکار می‌کند. سلمی از جعفر بن یسار شامی نقل می‌کند که گفت:

يَبْلُغُ مِنْ رَدِّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمِ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتِ ضَرْسِ انْصَانَ شَيْءٌ انْتَزَعَهُ حَتَّى يَرَدَّهُ.

از جمله رد کردن مظالم حقوق بندگان خدا توسط حضرت مهدی علیه السلام کار به جایی می‌رسد که اگر زیر دندان انسان چیزی مانده باشد آن را بیرون می‌کشد تا آن را به جای خویش باز گرداند. که همین روایت در

بعض کتب اهل تسنن از رسول خدا ﷺ آمده. (۱)

۵- و با انسانهای مؤمن مطابق با ایمانشان و با جاهلان مطابق با جهلشان عمل می‌کند.

به این فرموده رسول خدا ﷺ در خطبه غدیریه توجه کنید:

الا انه الغرّاف من بحر عميق، الا انه المجازي كل ذي فضل بفضله و كل ذي جهل بجهله، الا انه خيرة الله ومختاره، الا انه وارث كل علم و المحيط به، الا انه المخبر عن ربه السيد المفوض اليه دين الله.

آگاه باشید که او برخوردار از دریایی ژرف است، آگاه باشید که او هر صاحب فضلی را در برابر فضلش جزا می‌دهد و هر صاحب جهلی را در برابر جهلش جزا دهنده است. همو که برگزیده خدا و انتخاب شده اوست. همو که وارث هر دانشی و محیط به آن است، همان که او خبر دهنده استوار و صاحب سخن محکم، از جانب پروردگارش است که به او دین خدا واگذار شده. (۲)

۶- بلکه آیه مبارکه:

﴿ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴾ (۳)

۱. عقد الدرر، ص ۳۶.

۲. احتجاج طهرسی، ج ۱، ص ۶۴.

۳. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۷۳.

و ما آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند و به آنها وحی کردیم فعل خوبیها و برپا داشتن نماز و دادن زکوة را و پیوسته ما را عابد بودند.

نشانگر اینست که امام و حجت خدا هدایت کننده اعمال ماست، به عبارت دیگر اعمالی که از ما صادر می‌شود چه بسا دارای ماهیتهای گوناگون باشند و غالباً مصداق: ﴿ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا ﴾^(۱) هستند، عمل شایسته و کار بد با هم آمیخته‌اند، حتی چه بسا یک دعای کامل ما دارای نوسان در ماهیت باشد. گاه انسان خالص و گاه دچار ریا می‌شود. روح امام مانند منشوری است که اعمال انسان را تجزیه و خوب را به جایگاهش و بد را به جایگاهش هدایت می‌کند.

۷- و آنگاه که انسان در برابر مولا قرار گیرد عیوب باطنی انسان جلوه گر می‌شود و از این رسوایی به خدا پناه می‌بریم.

حال به این قضایا بنگر: ^(۲)

۱) قضیه شیخ حسین:

ناگاه شخصی از سمت در اول مسجد متوجه من شد، چون از دور او را دیدم مکدر شدم و با خود گفتم که: این عربی است از اهالی اطراف مسجد، آمده نزد من که قهوه بخورد و من امشب بی قهوه می‌مانم، در این شب تاریک هم و غم زیاد خواهد شد. در این فکر بودم که او به من رسید و بر من سلام کرد و نام مرا

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۲.

۲. نجم ثاقب، ص ۶۳۴ (داستان ۹۰).

برد و در مقابل من نشست .

از اینکه او نام مرا می دانست تعجب کردم و گمان کردم که او از آنهاست که اطراف نجفند و من گاهی برایشان وارد می شدم ، پس پرسیدم از او که از کدام طایفه عرب است . گفت که از بعض ایشانم . پس اسم هر یک از طوایف عرب که در اطراف نجفند بردم گفت : نه ! از آنها نیستم . پس مرا به غضب آورد . از روی سخریه و استهزاء گفتم : آری ! تو از طریطره ای ! و این لفظی است بی معنی . پس از سخن من تبسم کرد و گفت : بر تو حرجی نیست ، من از هر کجا که باشم ، تو را چه محرک شده که به اینجا آمدی ؟ گفتم : به تو هم نفعی ندارد سؤال کردن از این امور . گفت : چه ضرر دارد به تو که مرا خبر دهی ؟

(۲) جریان سید مهدی قزوینی

حضور امام زمان علیه السلام در مجلس درس سید و بی ادبی و گستاخی یک طلبه
آقای سید مهدی قزوینی فرموده :

پس شروع کردم در بحث ، پس او تکلم می کرد در مسئله ای که ما در آن بحث می کردیم به کلامی که مانند مروارید غلطان بود ، کلام او مرا مبهوت کرد . پس یکی از طلاب گفت : ساکت شو ! تو را چه با این سخنان ؟ تبسم کرد و ساکت شد .^(۱)

و اینک برای زیادت معرفت دوستان دو قضیه عجیب از قضایای تشریف را حضورتان تقدیم می کنم که بسیار تأمل برانگیز است . که هر

دو قضیه مربوط به شخصی است به نام شیخ محمد طاهر نجفی که هم خود مرحوم محدث نوری رضوان الله تعالی علیه با نامبرده ملاقات داشته و هم از بعض عالمان نجف که با او مراوده داشته‌اند حالش را پیگیری نموده و او، وی را به غایت تقوی و دیانت ستوده و حال این شما و مرحوم محدث نوری و این قضیه نخست او:

(۳) صالح متقی شیخ محمد طاهر نجفی که سالهاست خادم مسجد کوفه و با عیال در همان جا منزل دارد و غالب اهل علم نجف اشرف که به آنجا مشرف می‌شوند او را می‌شناسند و تا کنون از او غیر از حُسن و صلاح چیزی نقل نکردند و خود سالهاست او را می‌شناسم به همین اوصاف، و بعضی از علمای متقین که مدت‌ها در آنجا معتکف بوده‌اند به غایت از تقوا و دیانت او ذکر می‌فرمودند.

او اعمی از هر دو چشم و به حال خود مبتلا و همان عالم قضیه‌ای از او نقل فرمود. در سال گذشته در آن مسجد از او جویا شدم. گفت:

در هفت یا هشت سال قبل به واسطه تردد نکردن زوّار و محاربه میان دو طایفه ذکرت و شمّرت در نجف که باعث انقطاع تردد اهل علم به آنجا شد، امر زندگانی بر من تلخ شد زیرا ممر معاش منحصر بود در این دو طایفه، با کثرت عیال خود و بعضی ایتام که تکفل آنها با من بود.

شب جمعه‌ای بود هیچ قوت نداشتیم و اطفال از گرسنگی ناله می‌کردند. بسیار دلتنگ شدم و غالباً مشغول به بعضی از اوراق و ختوم بودم، در آن شب که سوء حال به نهایت رسیده

بود. رو به قبله میان محل سفینه^(۱) که معروف به جای تنور^(۲) است و دکه القضاء^(۳) نشسته بودم و شکوه حال به سوی قادر متعال می نمودم و اظهار رضامندی به آن حالت فقر و پریشانی می کردم و عرض کردم که چیزی به از آن نیست که سید و مولای مرا به من بنمایی و غیر از آن چیزی نمی خواهم.

ناگاه خود را بر سر پا ایستاده دیدم و در دست سجاده سفیدی بود و دست دیگر در دست جوان جلیل القدری که آثار هیبت و جلال از او ظاهر بود و لباس نفیسی مایل به سیاهی در بر داشت که من ظاهرین، اول به خیالم افتاد که یکی از سلاطین است، لکن عمامه در سر مبارک داشت و نزدیک او شخص دیگری بود که جامه ای سفید در بر داشت.

به این حال راه افتادیم به سمت دکه محراب. چون به آنجا رسیدیم آن شخص جلیل که دست من در دست او بود فرمود: «یا طاهر افرش السجّاده» ای طاهر سجاده را فرش کن.

پس آن را پهن نمودم و دیدم سفید است و می درخشد و جنس آن را نشناختم و بر او چیزی نوشته بود به خط جلی و من آن را رو به قبله فرش کردم، با ملاحظه انحرافی که در مسجد است. پس فرمود: چگونه پهن کردی آن را؟ و من از هیبت آن

۱. مراد از سفینه، کشتی نوح پیغمبر علی نبینا و آله و علیه السلام است و مراد از تنور آن معناییست که از این آیه مبارکه استفاده می شود: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ﴾ (سوره هود، آیه ۴۰) تا آن زمان که امر ما فرارسید و تنور به جوشش از آب آمد.

۲. بنابر مشهور حضرت نوح علیه السلام کشتی را در این نقطه از مسجد اعظم کوفه ساخته و به هنگام طوفان آب از این نقطه جوشیده است. «م»

۳. دکه القضاء محل قضاوت امیر مؤمنان علیه السلام در صحن مسجد اعظم کوفه می باشد. «م»

جناب بیخود شده بودم و از دهشت و بی شعوری گفتم: «فرشتها بالطول و العرض»^(۱) فرمود: این عبارت را از کجا گرفتی؟ این کلام از زیارت است که زیارت می‌کنند به آن قائم عجل الله فرجه را.

پس بر روی من تبسم کرد و فرمود: برای تو اندکی است از فهم! پس ایستاد بر آن سجاده و تکبیر نماز گفت و پیوسته نور و بهای او زیاد می‌شد و تَتَّقُ می‌زد و به نحوی که ممکن بود نظر به روی مبارک آن جناب، و آن شخص دیگر در پشت سر آن جناب ایستاد و به قدر چهار شبر متأخر بود.

پس هر دو نماز خواندند و من در رو بروی ایشان ایستاده بودم پس در دلم از امر چیزی افتاد و فهمیدم از آن اشخاص که من گمان کردم نیست، چون از نماز فارغ شدند آن شخص را دیگر ندیدم و آن جناب را دیدم بر بالای کرسی مرتفعی که تقریباً چهار ذراع ارتفاع داشت و سقف داشت و بر او بود از نور آنقدر که دیده را خیره می‌کرد پس متوجه من شد فرمود: ای طاهر! کدام سلطان از این سلاطین گمان کردی مرا؟ گفتم: ای مولای من! تو سلطان سلاطینی و سید عالمی و تو از اینها نیستی. پس فرمود: ای طاهر! به قصد خود رسیدی پس چه می‌خواهی؟ آیا رعایت نمی‌کنم شما را هر روز؟ آیا عرض نمی‌شود بر ما اعمال شما؟ و مرا وعده نیکویی حال و فرج از آن تنگی داد.

در این حال شخصی داخل مسجد شد از طرف صحن مسلم

۱. یعنی آن را به درازا و پهنا پهن کردم.

که او را به شخص و اسم می‌شناختم و او کردار زشت داشت. پس آثار غضب بر آن جناب ظاهر شد و روی مبارک به طرف او کرد و عرق هاشمی در چهره اش هویدا شد. فرمود: ای فلان! به کجا فرار می‌کنی؟ آیا زمین از آن ما نیست و آسمان از آن ما نیست؟ که مجری است در آنها احکام ما و تو را چاره نیست از آنکه در زیر دست ما باشی؟

آنگاه به من توجه کرد و تبسم فرمود و فرمود: ای طاهر! به مراد خود رسیدی دیگر چه می‌خواهی؟ پس به جهت هیبت آن جناب و حیرتی که برایم روی داد از جلال عظمت او نتوانستم تکلم کنم. پس این کلام را دفعه دوم فرمود و شدت حال من به وصف نمی‌آمد. پس نتوانستم جوابی گویم و سؤالی از جنابش نمایم! پس به قدر چشم بر هم زدنی نگذشت که خود را تنها در میان مسجد دیدم کسی با من نبود به طرف مشرق نگریستم فجر را دیدم طالع شده. (۱)

(۴) شیخ محمد طاهر نجفی که خادم مسجد کوفه بود نسبت به علمایی که به مسجد کوفه می‌آمدند خدمت می‌کرد و سعی می‌کرد که از آنها چیزی بیاموزد، از یک نفر روحانی چیزی آموخته بود و به مدت دوازده سال به آن مداومت داشت.

شیخ محمد طاهر گوید:

شب جمعه‌ای در یکی از حجره‌های مسجد کوفه نشسته به ذکر همیشگی خود مشغول بودم و به حضرت رسول و اهل بیت

طاهرین آن حضرت متوسّل بودم تا نوبت به امام عصر علیه السلام

رسید، ناگهان شخصی داخل شد و گفت:

چه خبر است؟ ولول ولول بر لب!

هر دعایی را حاجابی است، بگذار تا حجاب برخیزد و همه با

هم مستجاب شود.

به سوی صحن حضرت مسلم به راه افتاد، بیرون آمدم و کسی

رانیاftم. (۱)

امام مبین، هادی دین

﴿ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ

فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا

لَنَا عَابِدِينَ ﴾ (۲)

معنای هدایت به امر در این آیه مبارکه:

۱- هدایت به همان امر اول: همانگونه که حضرت حق جل و علا در

سوره جاثیه می فرماید:

﴿ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * وَ سَخَّرَ لَكُمْ

مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ

۱. نجم ثاقب، ص ۱۰۱، باب هفتم، حکایت (۵۶).

۲. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۷۳

لَايَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١﴾

خدا آن کسی است که برای شما دریا را رام نمود تا کشتی در آن به امرش جاری شود و برای اینکه از فضل او (زیادت رحمت او) بجوئید، و چه بسا سپاسگزار او گردید و همه آنچه که در آسمانها و زمین است را مسخر شما گردانیده همانا در آن نشانه‌هایی است برای قومی که می‌اندیشند.

همه ناشی از آن امر اول است بنا بر این نظام هدایتی امامت نیز ناشی از آن امر اول است بلکه چه بسا باید گفت اینکه خدای بزرگ فرموده: ﴿سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است به اعتبار مسخر شدن آنها برای ذوات مقدس معصومین صلوات الله عليهم اجمعین است.

۲- این هدایت از نوع و سنخ «کن فیکون» است که در سوره مبارکه یس می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (۲)

همانا امر خدا به نحو نیست که هر گاه اراده کند چیزی را، همینکه به او بگوید موجود شو، موجود می‌شود و نیز در سوره قمر می‌فرماید:

﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمَحٍ بِالبَصْرِ﴾ (۳)

و امر ما نیست مگر یک فرمان مانند اشاره‌ای با چشمی.

۱. سوره مبارکه جاثیه، آیه ۱۲ و ۱۳.

۲. سوره مبارکه یس، آیه ۸۲.

۳. سوره مبارکه قمر، آیه ۵۰.

این هدایت از سنخ موجودات عالم خلق نیست که تدریجی الوجودند. بلکه از سنخ موجودات عالم امرند که دارای ماده نیستند که از آن ماده خدا چیزی را خلق کند، بلکه دارای حقیقت مجرد است که خدا توسط ولیش به موجودات مستعدّه افاضه می‌کند.

حال بینیم متعلقات این هدایت چیست تا معنای آیه واضح‌تر گردد:

الف) هدایت قلب ﴿... وَ مَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ...﴾ (۱)

ب) هدایت انسان به راههای خدا: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ﴾ (۲)
سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿ (۳)

ج) هدایت به صراط مستقیم: ﴿... وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ ثَبَاتًا * وَإِذَا لَاتَيْنَاهُمْ مِن لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا * وَ لَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (۴)

اگر آنان انجام می‌دادند آنچه را که به آن پند داده می‌شوند، هر آینه برای آنها بهتر بود و سبب ثبات بیشتر (ایمان و یا امرشان) می‌گشت و هر آینه آنها را به صراط مستقیم هدایت می‌کردیم.

د) هدایت اعمال که این به دو معنی است.

۱- هدایت اعمال به سوی مطلوب خیر، یعنی نتیجه دهندگی به اعمال

۱. سوره مبارکه تغابن، آیه ۱۱.

۲. و مانند این آیه مبارکه: ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾.

۳. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۶۹.

۴. سوره مبارکه نساء، آیات ۶۶ تا ۶۸.

بر خلاف کفار که خدای بزرگ فرمود:

﴿ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴾ (۱)

کسانی که کافر شدند و از راه خدا باز داشتند، اعمال، آنان را گمراه می‌گرداند، آنچه که از اعمال خویش می‌خواستند نتیجه بگیرند نمی‌توانند.

ولکن مؤمن عملش هدایت می‌شود: (یعنی بسوی مطلوب و خواسته خیرش).

﴿ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ *

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ * وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴾ (۲)

و کسانی که در راه خدا کشته شدند پس خدا هرگز اعمال آنها را ضایع نمی‌کند. به زودی آنان را (محققاً آنان را) هدایت می‌کند (در آنچه که برای آنان اهمیت داشته‌اند و یا خاطرات ذهنی) آنها را اصلاح می‌کند و آنان را داخل در بهشتهایی می‌گرداند که به آنان معرفی نموده (شناسانده).

و چون در این وجهه نیت انسان به آنچه که خیر است هدایت می‌شود، به عبارت دیگر به انسان الهام می‌شود.

در بعض ادعیه عرض می‌کنیم:

وَالْهَمْنِي تَفَاكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَجَنَّتِي مُوَبِّقَاتِ مَعْصِيَتِكَ؛

۱. سوره مبارکه محمد، آیه ۱.

۲. سوره مبارکه محمد، آیات ۴ تا ۶.

خدایا تقوا و محبت خود را به من الهام کن و مرا از گناهان
خانمان برانداز بر کنار دار. (۱)

و در روایات از ائمه اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین از جمله
به ما رسیده که فرموده‌اند:

ما من قلب الا و له اذنان، علی احدهما ملك مرشد
و علی الاخری شیطان مفتن، هذا یأمره و هذا یزجره،
الشیطان یأمره بالمعاصی و الملك یزجره عنها و هو قول
الله عز و جل:

﴿عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشُّمَالِ قَعِيدٌ * مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا
لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾.

قلبی نیست مگر اینکه برای آن دو گوش است، بر یکی از این
دو فرشته ارشاد کننده و نشان دهنده راه رشد است و بر گوش
دیگر شیطانی فتنه گر. این یک او را امر کند و آن دیگر او را
زجر می کند. شیطان او را به معصیتها امر می کند و فرشته او را
از معصیت بر کنار می زند.

و آن سخن خدای عز و جل است: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشُّمَالِ قَعِيدٌ *
مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (۲) از راست و چپ در کمین و یا
در انتظار نشسته، هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر اینکه در نزد آن

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۰۸.

۲. سوره مبارکه ق، آیات ۱۷ و ۱۸.

نگهبان آماده‌ای است. (۱)

و انسان نتیجه این هدایت را در هماهنگی بین اعمال اهل ایمان و نظم و اتساق بین آنها مشاهده می‌کند که با اینکه هر کدام در بخشی و یا جهتی مشغول کارند ناگهان انسان با کمال تعجب می‌بیند که چه همخوانی و هماهنگی بین این اعمال است که انسان در اینجا دست نظم دهنده و هدایت کننده را به خوبی می‌بیند و انسان شگفت زده می‌بیند که این آیه مبارکه در اینجا چگونه جاری گشته:

﴿ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ﴾ (۲)

در آفرینش خدای رحمن تفاوتی نمی‌بینی پس دیدگاهت را برگردان، آیا در آن سستی، رخنه و شکافی مشاهده می‌کنی؟

و اگر مؤمنی اراده دارد که عملش به طور کامل در جریان این جذر و مد دریای انسانهای با فضیلت قرار گیرد که عملش همچون قطره‌ای در این دریا گردد، پس بایستی خود را به زیور تقوی که در رأس آن اخلاص است بیاراید اکنون که سخن بدینجا رسید دو حدیث در باب اهمیت رعایت اخلاص و دوری از ریا تقدیم می‌گردد.

(الف) عدة من اصحابنا، عن سهل بن زياد، عن جعفر بن محمد الاشعري عن ابن القداح عن ابي عبد الله عليه السلام

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. سوره مبارکه ملک، آیه ۳.

أَنَّهُ قَالَ لِعَبَّادِ بْنِ كَثِيرٍ الْبَصْرِيُّ فِي الْمَسْجِدِ:
وَيْلَكَ يَا عَبَّادُ إِيَّاكَ وَالرِّيَاءَ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَّهُ
اللَّهُ إِلَى مَنْ عَمِلَ لَهُ. (۱)

وای بر تو ای عَبَّاد، از ریا، پرهیز کن زیرا هر کس برای غیر خدا
کار کند خدا او را به کسی که برای او کار می‌کند واگذار می‌کند.

ب) محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عيسى عن
ابن فضال عن علي بن عقیبة عن أبيه قال: سمعتُ أبا
عبدالله عليه السلام يقول:

اجعلوا أمركم هذا لله ولا تجعلوه للناس فإنه ما كان لله
فهو لله وما كان للناس فلا يصعد إلى الله (۲)

قرار دهید امرتان را (یعنی امر عبادت و دینداری را) برای
خدا و آن را برای مردم قرار ندهید پس همانا هر چه برای خدا
باشد پس آن به خدا اختصاص دارد و آنچه که برای مردم
است پس به سوی خدا بالا نمی‌رود.

پس ما با رعایت اخلاص می‌توانیم به عملمان صبغه و رنگ و قالب
خدایی بدهیم و در نتیجه عمل در گردونه و چرخش اعمال بندگان صالح
قرار گیرد و خدای بزرگ به آن بهای داده و ویش به اذن او، عمل ما را به
جایگاه ویژه اش هدایت کند و وقتی که اینگونه شد: معنای هدایت اعمال در
اینجا آشکار می‌شود که اعمال خیر به سوی ملکوتشان هدایت می‌شوند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۳.

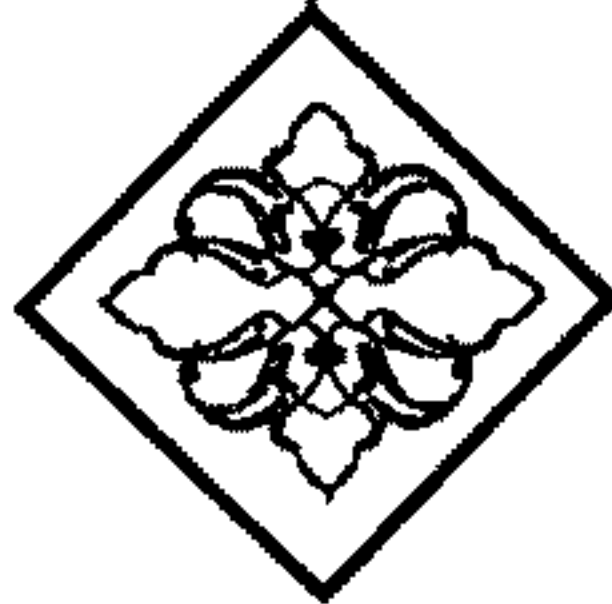
۲. همان.

قال الله تعالى :

﴿...إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ
يَرْفَعُهُ...﴾ (۱)

به سوی خدا اعتقاد پاک بالا می‌رود و عمل شایسته بالا برنده
اعتقاد پاک است.

که انسان به این فوز نائل می‌شود که عمل نیک انسان یکسره نور
می‌گردد خود و صاحبش به سوی هدایت می‌شود و برعکس عمل
ریایی، ناخالص و گناه مفسده انگیز به سوی دوزخ هدایت می‌کند.
و چه بسا یک عمل واحد در خارج به اعتبار حالات مختلف روحی
یعنی اختلاف در نیت‌ها و انگیزه‌ها، وجهه‌ها، جهات مختلف به خود
گیرد، فرض کنیم انسانی در شب جمعه مشغول قرائت دعای شریف
کمیل است در حال قرائت این دعا روحش نوسانات مختلف پیدا کند،
گاه مخلصاً دعا می‌کند و گاه با ورود فردی یا جمعی حالت ریاء به او
دست می‌دهد و عملش را برای ریا می‌گرداند، اینجاست که در بخشی
از دعا، انسان حالت شیطان به خود گرفته و اگر خدا با دیده اغماض،
چشم پوشی به ما ننگرد، باید این عمل تجزیه شود و خالص از نا
خالصی آن جدا گردد.



گفتار پنجم

جناب خضر سلام الله عليه
در خدمت حضرت مهدی علیه الصلوة والسلام
یا جلوه‌ای از جلالت حضرت مهدی علیه السلام

مولا یمان که برگزیده خدا از میان برگزیدگان است و مخدوم ملائکه و منصور به انبیاء اولوالعزم، از جمله شرافتهایش اینست که خدای بزرگ، خضر پیغمبر را انیس در غیبتش و نشانه‌ای بر وجودش قرار داده، همان خضری که موسی با آن بهاء و جلالت، وقتی که او را می‌یابد همچون یک شاگرد در برابر استاد به نزدش زانو می‌زند و می‌گوید:

﴿... هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾ (۱)

آیا مرا اجازت می‌دهی تا از تو پیروی کنم بر اینکه بیاموزی مرا رشدی (از اسباب رشدی) از آنچه که به آن دانا شده‌ای.

و خضر در جوابش بگوید:

﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾ * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ

تُحِطْ بِهِ خُبْرًا﴾

تو هرگز قدرت اینکه با من صبر کنی نخواهی داشت، چگونه صبر خواهی کرد بر چیزی که آگاهی همه جانبه به آن نداری.

و اکنون ببین چگونه این آقا در برابر امام زمان زانو فرود می آورد:
وجود مقدس امام رضا علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا
يَمُوتُ حَتَّى يَنْفَخَ فِي الصُّورِ وَ إِنَّهُ لِيَأْتِينَا فَيَسَلِّمُ فَتَسْمَعُ
صَوْتَهُ وَ لَا تَرَى شَخْصَهُ وَ إِنَّهُ لِيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ
فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَ يَقِفُ بِعَرْفِهِ فَيُؤَمِّنُ عَلَى دَعَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤَنَسُ اللَّهُ بِهِ وَ حَشَّةٌ قَائِمَةٌ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ
بِهِ وَحْدَتَهُ. (۱)

همانا خضر، که سلام خدا بر او باد، از آب حیات نوشید پس او زنده
ایست که تا نفخه صور (بر پا شدن قیامت) نمی میرد و همانا او نزد ما
می آید و بر ما سلام می کند پس صدایش را می شنویم و شخصش را
نمی بینیم و همانا او حاضر می شود در هر کجا که یاد شود، پس هر کس
از شما او را یاد کند پس بر او سلام نماید و همانا او در مراسم حج همه
ساله شرکت می کند و همه مناسک حج (عبادات وارده در حج به عنوان
اجزاء حج) را به جا می آورد و وقوف در روز عرفه دارد پس آمین بر
دعای مؤمنین گوید. (از خدا می خواهد که دعای مؤمنین را اجابت
کند) و خدا به زودی به وسیله او وحشت قائم ما را در زمان غیبتش با
مأنوس بودن خضر با آقا از بین می برد و در تنهاییش با او خواهد بود.

بنابراین جناب خضر یکی از سی نفری است که در فرمایش امام باقر علیه السلام همراه با امام زمانند: لا بدّ لصاحب هذا الامر فی عزلته من قوّة و ما بثلاثین من وحشیه و نعم المنزل طيبة. (۱)
امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

بلی انّ الله تبارک و تعالی لَمّا کان فی سابق علمه ان یقدّر من عمر القائم علیه السلام فی ایام غیبه ما یقدّر و علم ما یكون من انکار عبادہ بمقدار ذلك العمر فی الطول، طول عمر العبد الصالح فی غیر سبب یوجب ذلك الا لعلّة الاستدلال به علی عمر القائم علیه السلام و ليقطع بذلك حجة المعاندين لئلا یكون للناس علی الله حجة. (۲)

و اما بنده صالح، یعنی خضر که بر او درود باد، پس همانا خدایی که برکتش پیوسته رو به فزونی است و برتر از هر موجودی و یا هر اندیشه ای است، عمرش را طولانی نکرد به جهت نبوتی که برای او مقدر کرده باشد، تا فلان وقت زنده بماند تا به نبوت برسد، و نه برای کتابی که بخواهد بر او نازل کند و نه برای شریعتی که بخواهد با آن شریعت انبیاء

۱. مرحوم مجلسی در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳، در ذیل این حدیث چنین گوید: العزلة بالضم اسم اعتزال (یعنی اسم مصدر برای اعتزال) و طیبه اسم مدینه است پس این حدیث دلالت دارد بر اینکه آن حضرت در دوران غیبت غالباً در مدینه و حوالی آن است و، دالّ، بر این است که با او سی نفر از موالی، چاکران و یارانش و خواصش می باشد که اگر یکی بمیرد دیگری جای او خواهد نشست.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

گذشته را نسخ کند و نه برای امامتی که بندگان را ملزم به اقتدای به او نماید و نه برای فرمانبرویی که برای او واجب گرداند آری خدای تبارک و تعالی چون در علمش گذشته بود که مقدر کند از عمر قائم علیه السلام آنچه را که برای او در دوران غیبتش مقدر و اندازه گیری کرده، و می دانست که جمعی از بندگان به انکار آن مقدار از عمر طولانی خواهند پرداخت، عمر بنده صالح خود حضرت خضر را طولانی کرد و تنها این امر را برای استدلال بر عمر قائم علیه السلام قرار داد تا با آن حجت معاندان قطع گردد و مردم بر خدا حجتی نداشته باشند. (۱)

نمونه‌ای از همراهی خضر علیه السلام با حضرت مهدی

عالمی بزرگوار، زاهدی با تقوی، انسانی وارسته از خطه شوشتر خوزستان که یکی از علمای کرمان (۲) نیز بحمدالله تاکنون در قید حیات هستند، نامبرده را ملاقات نموده و بعضی از تشرفات خویش را برای ایشان نیز نقل نموده و داستان تشرفات معظم له گویا در کتابهای عبقری الحسان مرحوم نهاوندی و ملاقات با امام زمان ابطحی و شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام زاهدی و کرامات صالحین مرحوم شیخ محمد شریف رازی آمده است که شما خواننده محترم در اینجا با نقل مرحوم رازی روبرو می شوید.

۱. و مثلاً نگویند خدایا از حضرت مهدی کسی را اینچنین عمر طولانی ندادی تا نفس ما به طول عمر حضرت قائم (ع) اطمینان پیدا کند.

۲. ایشان می گویند این تشریف در شب نوزدهم بوده و نه بیست و یکم، ولی این تشریف در شب هجدهم ماه رمضان (حدود ۱۳۳۵ ق.) واقع شده [العبقری الحسان، ج ۲، ص ۹۹۱].

داستان تشریف او از زبان خودش اینگونه است: «جوان بودم و شور و حالی داشتم، شب بیست و یکم ماه رمضان بود که برای احیاء و عبادت و راز و نیاز با خدا به مسجد کوفه رفتم. نخست نماز مغرب و عشاء را در مقام امیر مؤمنان به جا آوردم و آنگاه برای افطار به ایوان مجاور آمدم تا جایی بیابم و آنجا به افطار و استراحت بنشینم. وقتی به ایوان صحن رسیدم، دیدم فرش گسترده است و شخصی بر روی آن به پشت خوابیده است و عبا بر چهره کشیده و شخص دیگری مؤذّب در کنار او نشسته است. بر او سلام کردم. پاسخ مرا داد و با زبان شوشتی گرم و پر مهر گفت: شیخ محمد! بنیشتن^(۱) افطار کن. از اینکه من او را ندیده‌ام اما او مرا با نام و نشان صدا می‌زند و از نیت من آگاه است که به قصد افطار به ایوان رفته‌ام شگفت زده شدم، او را نگریستم اما به هر حال فرش خود را افکندم و در کنار آنها نشستم و افطاری خود را که بسیار ساده بود گشوده و او را دعوت کردم و او پاسخ داد که: افطار کرده‌ام. لذا من شروع کردم اما سر صحبت را نیز آغاز کردم پرسیدم: این آقا که اول شب خوابیده است کیست؟ پاسخ داد: ایشان آقای عالم است. منظورش را درک نکردم، فکر کردم می‌گوید دانشمند و مجتهد است به همین جهت پرسیدم ملا و مجتهد است؟ پاسخ داد: می‌گویم آقای عالم است. باز هم متوجه نشدم... بار سوم پرسیدم جواب داد: ایشان آقای عالم است. فردی که خوابیده بود فرمود: «یا خضر! دعه».

یعنی ای خضر او را رها کن. خوابم گرفته بود گفتم کمی بخوابم، آنگاه بر خاسته و به عبادت و مراسم شب احیاء پردازم با این اندیشه و نیت برخاستم و رفتم در ایوان مجاور خوابیدم.

ساعتی بیشتر نشد بیدار شدم دیدم عجب فضای مسجد روشن است تو گویی سپیده دمیده و چیزی به درخشش کامل خورشید نمانده است. ناراحت شدم که چرا خوابم برد و احیاء شب قدر به آسانی از دستم رفت و از بهره‌ها و عنایات آن محروم گشتم. با عجله برای وضو رفتم تا نماز صبح را بخوانم هنگامی که به مقام امیر المؤمنین علیه السلام رسیدم، دیدم چند صف برای نماز جماعت تشکیل شده و شخصیت والایی در محراب نشسته است، نفهمیدم نماز را خوانده‌اند یا می‌خواهند شروع کنند. سلام گفتم و آنان جواب مرا دادند. وقتی خواستم بپرسم که نماز تمام است یا نه، یکی از آنان گفت شیخ محمد را با خود ببریم؟ آن بزرگواری که در محراب نشسته بود فرمود: نه! وقت آن نرسیده است. من بی توجه و با عجله از کنار آنان گذشتم و در خارج از مسجد وضو ساختم، باز گشتم تا نماز صبح را بخوانم که دیدم مسجد تاریک است و هیچ کس در مقام نیست. دقت کردم دیدم عجب هنوز اول شب است و تازه دریافتم که آقای عالم یعنی کی! بر خود تأسف خوردم که چه فیض عظیمی را از دست داده‌ام اما چاره‌ای نبود. (۱)

مرحوم شیخ محمد کوفی از نوادر روزگار بود، از سوی حضرت

بقیة الله ارواحنا فداء به آية الله سيد ابوالحسن اصفهانی علیه السلام پیام معروف را او آورده بود، تشرّفات فراوانی دارد از جمله تشرّف فوق، که آن را مرحوم علامه شیخ محمد علی اردوبادی بدون واسطه از ایشان شنیده و در کتاب «الجواهر المنضد» نقل کرده و مرحوم نهاوندی به نقل از ایشان در کتاب «العبرى الحسان» نقل نموده^(۱) و مرحوم آية الله توحیدی بدون واسطه از ایشان شنیده و در کتاب «قرآن و آخرین حجّت» نقل فرموده است.^(۲)

و این تشرّف دنباله بسیار لطیفی دارد که به نقل از آية الله توحیدی در میان تشرّفات مسجد سهله یاد شده است.^(۳)

۱. چاپ سنگی، ج ۱، ص ۱۲۰، چاپ جدید، ج ۲، ص ۹۹۱.

۲. قرآن و آخرین حجّت، ص ۴۶۲.

۳. علی اکبر مهدی پور، فصلنامه انتظار، شماره ۶، ص ۳۴۹.